

به نام خدا



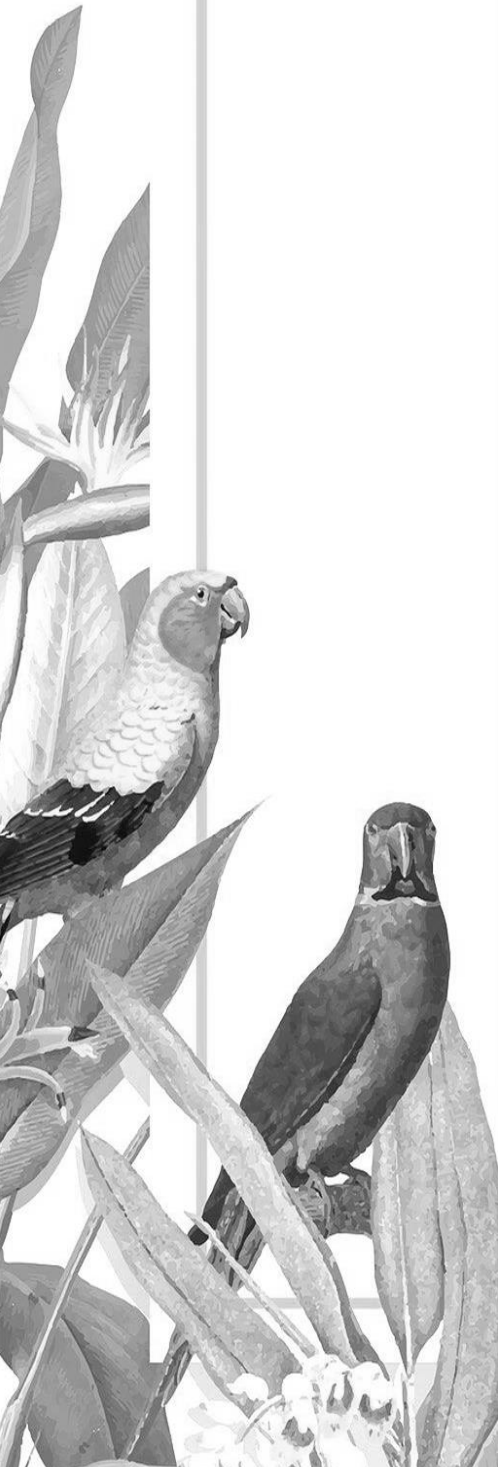
ديوانه
احساس
سرور ويسی

سرشناسه	: ویسی، سرور، ۱۳۶۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: دیوانه احساس/ سرور ویسی.
مشخصات نشر	: تهران: گنجور، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۸۶ص؛ ۲۱×۵/۱۴×۵/۱۴س.م.
شابک	: ۳۵۰۰۰۰ ریال: 978-622-302-101-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۱۴ Persian poetry -- 20th century
رده بندی کنگره	: PIR۸۳۶۳
رده بندی دیویی	: ۸۱۱/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۸۰۰۳۴۵


نام اثر: دیوانه احساس
شاعر: سرور ویسی
ناشر: گنجور
صفحه آرا: سمیه خوانین مقدم
طراح جلد: گنجور
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۱
شمارگان: ۵۰۰
شابک: ۵-۱۴-۷۷۲۶-۶۲۲-۹۷۸
قیمت: ۳۵۰۰۰۰ ریال
نشانی: تهران . میدان انقلاب. ابتدای کارگر جنوبی. کوچه شهدای ژاندارمری. پلاک ۱۲۷. تلفن ۰۹۱۲۰۶۱۷۲۸۳-۰۲۱۶۶۴۹۱۰۵۶
www.ganjoorpub.ir

فهرست اشعار

- ۷ حقیقت تلخ
- ۱۰ کاش
- ۱۲ از قاب چشمت
- ۱۴ خواب
- ۱۶ اسمِ هوس
- ۱۸ فدای یاد تو
- ۲۰ عطر خوش
- ۲۲ ادامه‌ی عشق
- ۲۵ لحظه‌ی غروب
- ۲۸ شب
- ۳۰ فیلم تلخ گذشته
- ۳۲ خاطره
- ۳۵ طلاق عاطفی
- ۳۸ فقط خیال نباشه
- ۴۰ پریشونم
- ۴۲ پر پر
- ۴۴ کاشکی می‌شد
- ۴۶ یه بار



۴۸	تنهایی
۵۰	نیمه
۵۲	اشک
۵۴	چرا نگفتم نرو
۵۶	با ناامیدی گفتم
۵۸	تعبیر خواب تلخ
۶۰	اسیر
۶۲	خراش
۶۴	آرامش
۶۶	دشنه
۶۸	بت
۷۰	یه دیوونه
۷۲	آرزومه
۷۴	چه زود
۷۶	احساس
۷۸	حالم دگرگونه
۸۰	مردشم
۸۲	برگرد
۸۴	نمی‌بینی



حقیقت تلخ

حقیقت تلخی

چشم تو داره می‌گه

که پیش من هستی و

قلب تو جای دیگه

مواظبی که چشمت

چیزی به من لو نَدَن

برای اینه هر بار

خیره نمی‌شی به من

می‌خوای که قلب مجنون

حقیقتُ نَشْنَوِه

که با شنیدن اون



به لحظه‌ای بشکنه
نمی‌دونی که دلم
سه ماهه که شکسته
و از روزی که شکست
چشام همیشه اشکه
حقیقت تلخی که
از چشم تو شنیدم
زخمی به قلبم زده
که نزدیکه بمیرم
از وقتی دل فهمیده
عشقتش با دیگرونه
دائم با خودش می‌گه



لعنت به این زمونه

سخته باور کنم که

یارم با دیگرونه

لحظه‌های خویش رو

با اونا می‌گذرونه

گلم تو دیگه رنگ و

بوی قبلُ نداری

پس بهتره بری و

منو تنها بذاری



کاش

گلی که دوشش دارم

رو قبر من می داری

می بینه روحم چقد

از مرگ من بی تایی

یه حرفایی می زنی

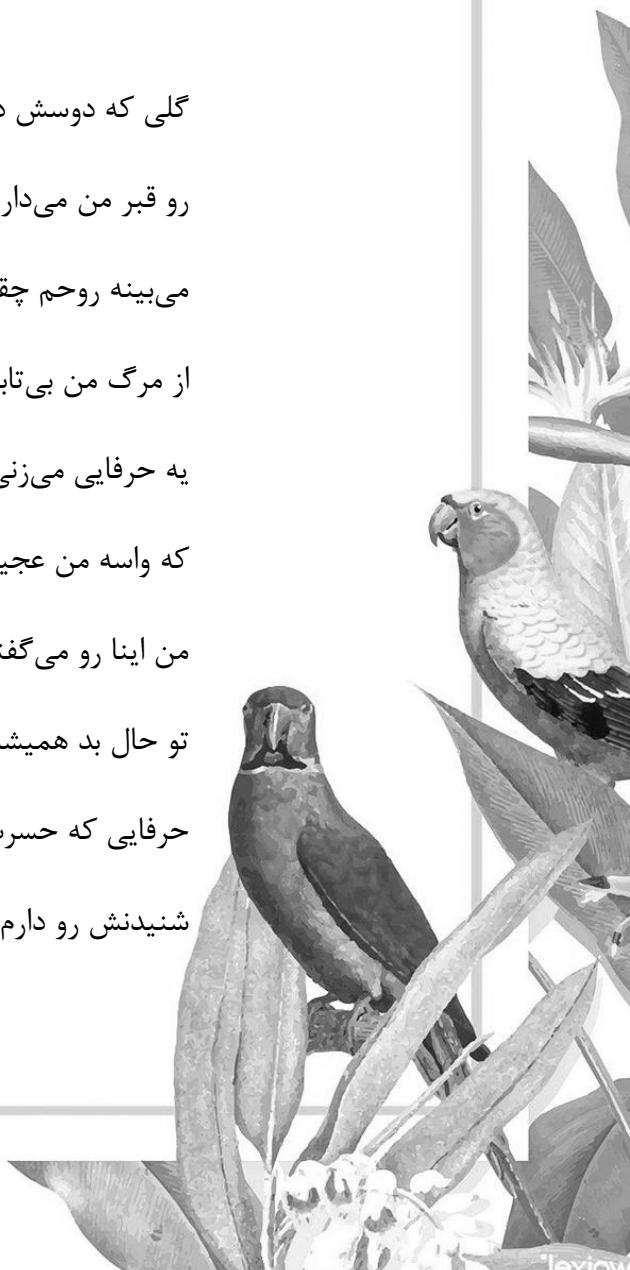
که واسه من عجیبه

من اینا رو می گفتم

تو حال بد همیشه

حرفایی که حسرت

شنیدنش رو دارم



الآن می‌زنی که من

اسیر دست خاکم

کاش زودتر از این به من

تو حرفات می‌زدی

تا بودم و می‌شنیدم

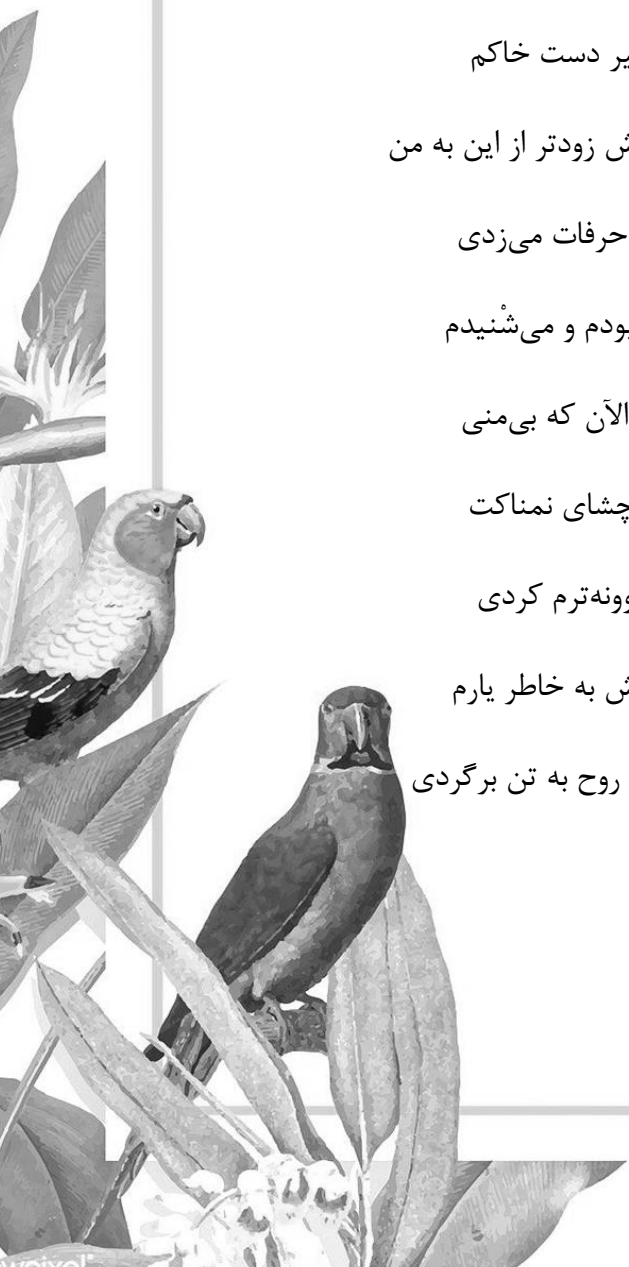
نه الآن که بی‌منی

با چشای نمناکت

دیوونه‌ترم کردی

کاش به خاطر یارم

ای روح به تن برگردی



از قاب چشمت

تو صورت قشنگ ماه

صورت تو رو می بینم

خوبم نه زیر نور ماه

زیر نور تو می شینم

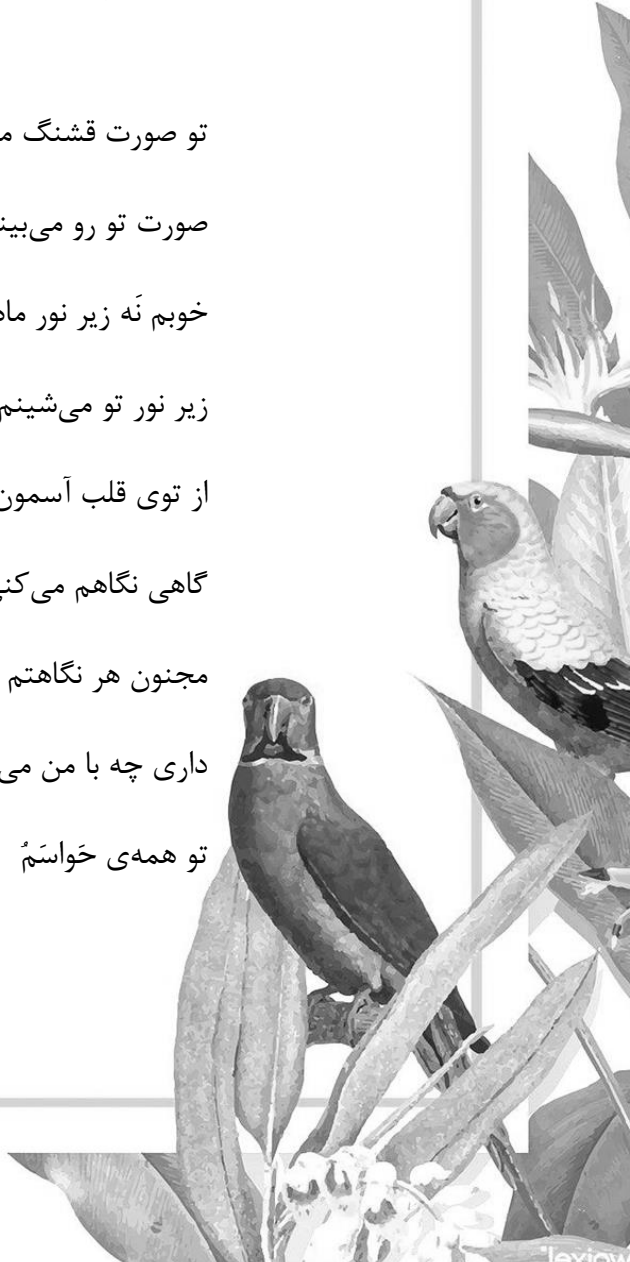
از توی قلب آسمون

گاهی نگاهم می کنی

مجنون هر نگاهتم

داری چه با من می کنی

تو همه‌ی حواسم



درگیر چشمت می کنی

منو به جرم عاشقی

اسیر عشقت می کنی

دلَم می خواد هر چی دارم

به پای چشمت بریزم

فقط بذاری دنیا رو

از قاب چشمت ببینم

از قاب چشمت می تونم

دنیا رو زیبا ببینم

پلکامُ می دارم رو هم

میون ابرا بشینم



خواب

پا بذار به خواب من که
یک کمی از غم جدا شَم
تا به جای قاب عکست
لحظه‌ای هم با تو باشم
ای خدا که بهترینی
نگاه کن به چشم خَسْتَم
منو با یه خواب شیرین
جدا کن از شب تلخم
دل من دوس داره خواب
دو چشایی رو ببینه



که دوریش تونسته خوابُ

از چشای من بگیریه

خدا کاری کن که خوابِ

چشم عشقمُ بینم

تنها آرزوم همینه

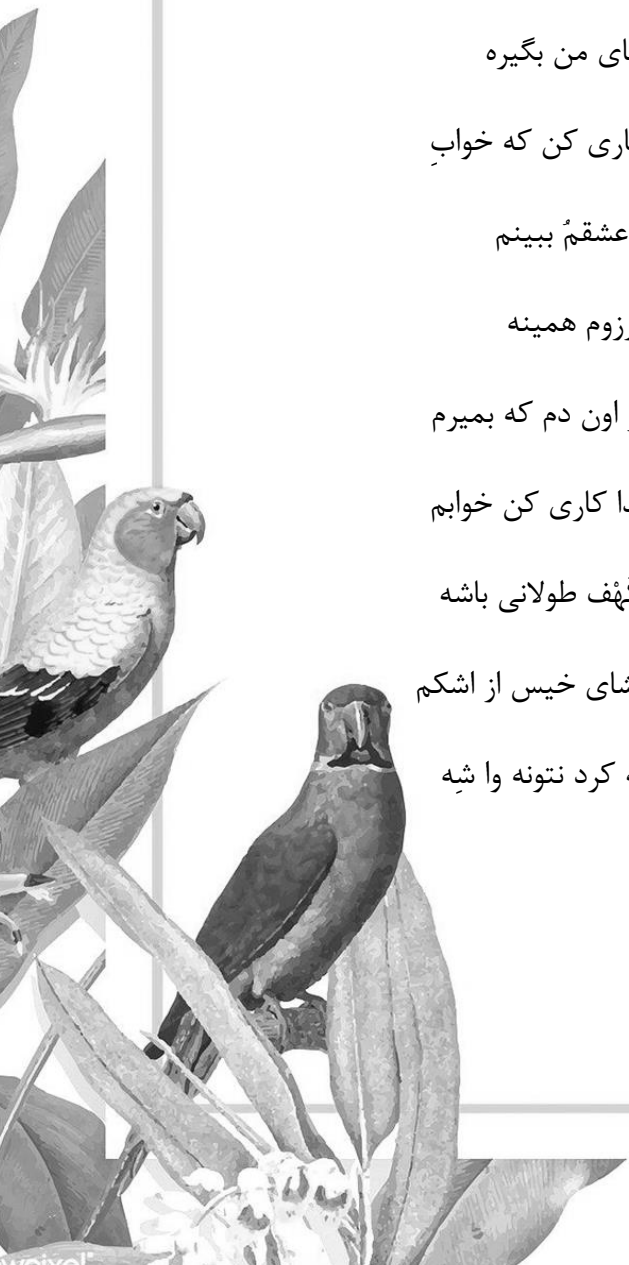
قبل از اون دم که بمیرم

ای خدا کاری کن خوابم

مثلِ کَهْفِ طولانی باشه

که چشای خیس از اشکم

هر چه کرد نتونه وا شه



اسمِ هوس

من عاشق تو بودم

تو که دوسم نداشتی

حتّی رو عشق پاکم

اسم هوس گذاشتی

خدا دلم می سوزه

تو آتیش داغ غم

گناهشم همینه

تنها اینه عاشقم

آخه یه دل می تونه

چقد تحمّل کنه



کاش به دل و بیرونه

یکی تَرَحُّم کنه

ای دل مجنون من

پای کسی بسوز که

وقتی بهش فکر کنی

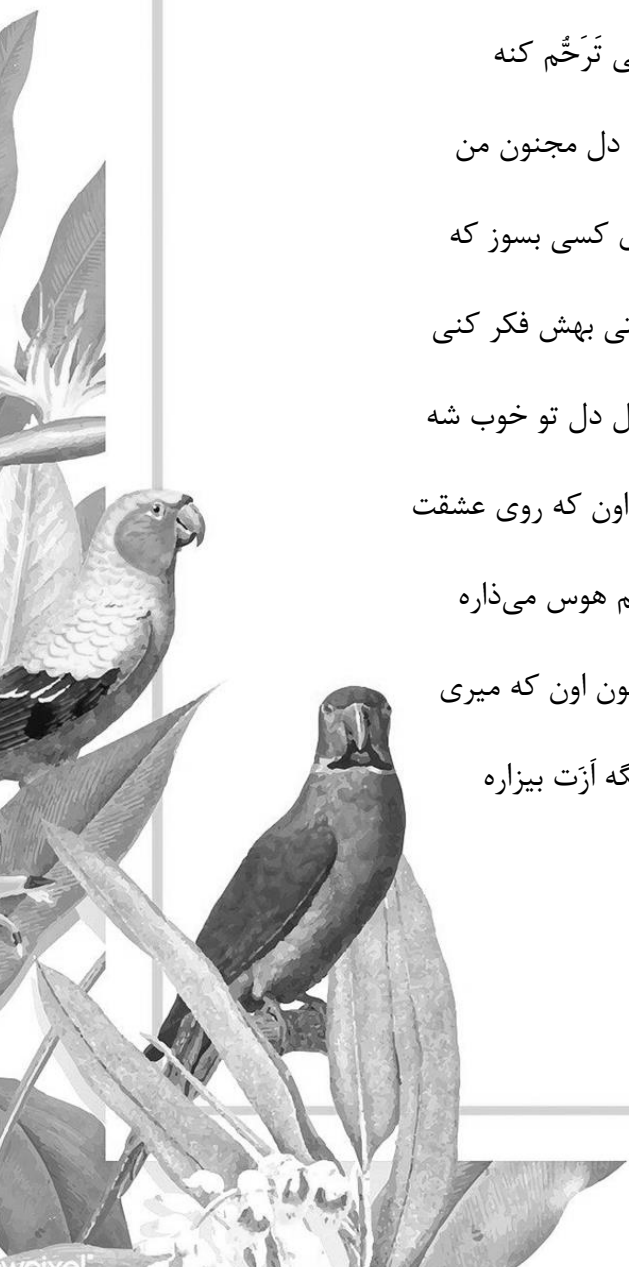
حال دل تو خوب شه

نه اون که روی عشقت

اسم هوس می‌ذاره

قربون اون که میری

میگه اَزت بیزاره



فدای یاد تو

همین که دل عاشق

چشای ناز تو شد

تموم روزای من

فدای یاد تو شد

از همه دور شدم تا

نزدیک یادت باشم

هر لحظه روی آبرا

اسیر نازت باشم

روزامُ در کنارِ

خیال تو می‌مونم



برام فرقی نداره

حتّی بگن دیوونم

حس می کنم خیالت

تنها رفیق مننه

وقتی تو تب می سوزم

حتّی طبیب مننه

نمی دونم خیالت

تا کی ادامه داره

ولی یادت هوای

حال چشم داره



عطر خوش

رفتی ولی خیال تو
آخه ولم نمی‌کنه
نمیدونی که با چش و
با دل من چه می‌کنه
هر شب خیال چشم تو
به دل من پا می‌ذاره
سَخَر که می‌ره عطرش
توی سرم جا می‌ذاره
خدا فقط خبر داره
سَخَر به دل چه می‌گذره



که یادت رفته و بازم

عطر تَنِتِ نمی پَرِه

عطر خوشی که فکرمُ

به لحظه‌ای می بره که

قلب همیشه سرد من

شعله‌ور از دیدنِ تِه

لحظه‌ای که با رفتنت

محاله دیگه بینم

قلب پُر احساسم نزن

من آرزومه بمیرم



ادامه‌ی عشق

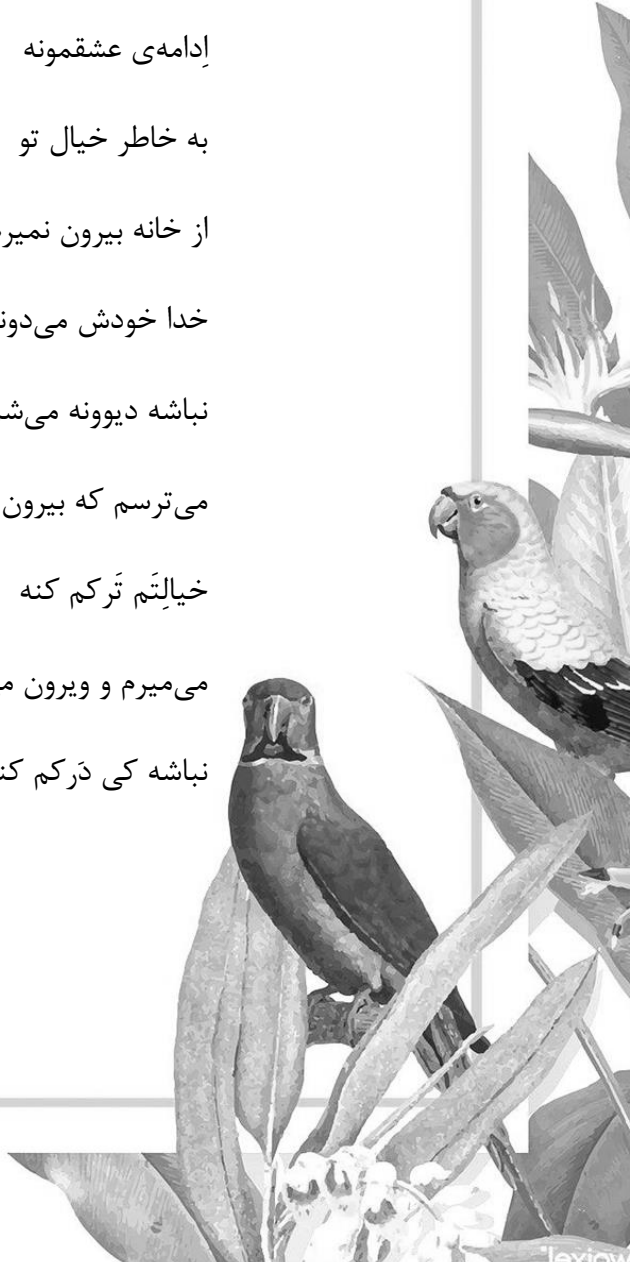
فکر نمی‌کردم که یادت
دوباره عاشقم کنه
از تموم غصّه‌های
جدایی فارغم کنه
زمونی که دلم شکست
خیالت از سفر رسید
و رو به روی من نشست
دستاش بر سرم کشید
خیال تو نمی‌ذاره
به قلب من بد بگذره



خدا فقط خبر داره
چقد حال من بهتره
کافیه با خیال تو
از تو محله بگذرم
تا همه با نگاه بگن
از دوریت زده به سرم
چون همه عشق منو به
چشای تو دیده بودن
سُفْره‌ی عَقْدِ مَونُ هم
به تازگی چیده بودن
چه جور بگم به اونا که
خیال تو مهربونه



حُضُورِ شَمِ نَشُونَه‌ی
اِدَامَه‌ی عَشَقْمُونَه
بِه خَاطِرِ خِیَالِ تُو
اَز خَانَه بَیْرُونِ نَمِیْرِم
خِدا خُودَش مِی دُونَه کِه
نَبَاشَه دِیوونَه مِی شَم
مِی تَرَسَم کِه بَیْرُونِ بَرَم
خِیَالِ تَمِ تَر کَم کَنَه
مِی مِیْرَم و وِیْرُونِ مِی شَم
نَبَاشَه کِی دَر کَم کَنَه



لحظه‌ی غروب

بشنو صدای قلبم

به خاطر تو می‌زنه

نرو که با رفتن تو

تنها بمونه می‌شکنه

صدای قلبی که واست

می‌زنه رو نمی‌شنوی

به خاطر اینه راحت

میری و اونو می‌شکنی

تو میری رو لبای من

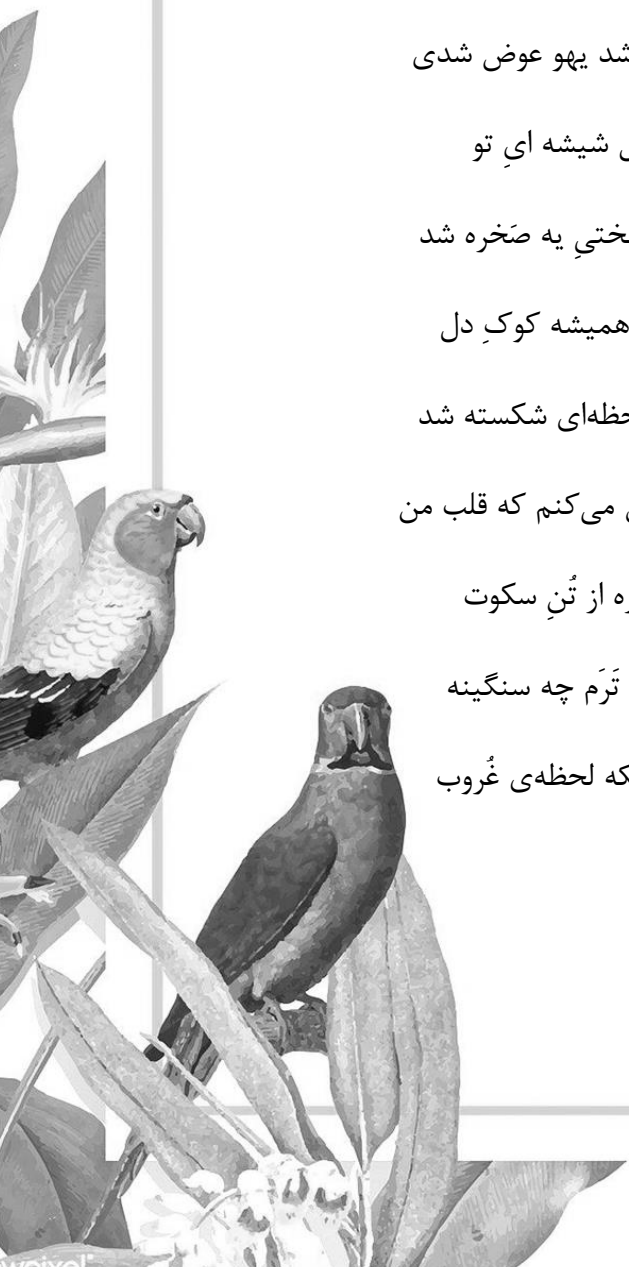
خنده دیگه دیده نشه



و بی تو روزگرم از
غصّه و غم تیره بشه
چرا به اصرار دلم
توجّهی نمی کنی
دوباره به حال بدّم
تَرَخّمی نمی کنی
یه روز تو قلب سرد من
به گرمی نَفَس شدی
هنوز نفهمیدم چه شد
به سَرْدیِ قَفَس شدی
تو که تو قلب سرد من
به گرمی نَفَس شدی



بگو فقط بگو به من
چه شد یهو عوض شدی
تا دل شیشه ای تو
به سختی به صخره شد
ساز همیشه کوکِ دل
به لحظه‌ای شکسته شد
حس می‌کنم که قلب من
لبریزه از تنِ سکوت
پلکِ تَرَم چه سنگینه
نزدیکه لحظه‌ی غروب



شب

تو قابِ چشمای تو
شب چه تماشاییه
چه حالیم ماه من
لحظه ُ لالاییه
بخون برا دلی که
واست تو تب و تابه
که اون کنارت دیگه
راحت میشه بخوابه
فقط خدا میتونه
شبُ تو چش جا کنه



آرز می خوام که قفلِ

لبت رو هم وا کنه

تا کی رو شیشه ُ دل

غبار غم بشینه ؟

تا زمونی که نیستی

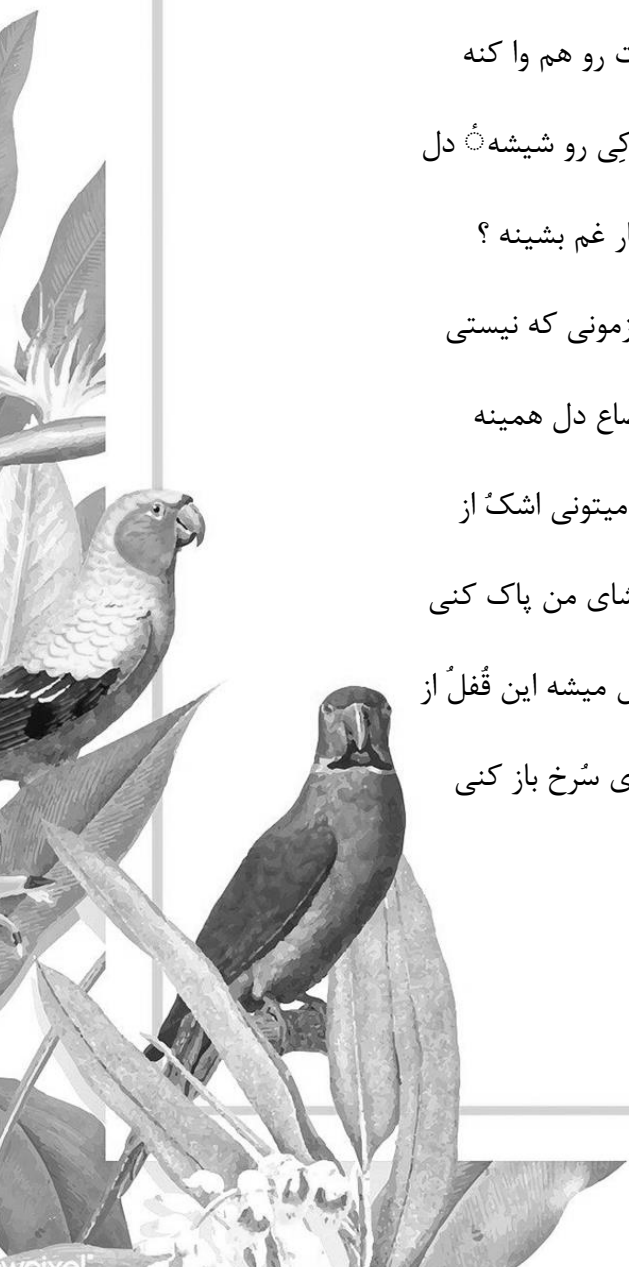
اوضاع دل همینه

تو میتونی اشک ُ از

چشای من پاک کنی

پس میشه این قُفل ُ از

لبای سُرخ باز کنی



فیلم تلخ گذشته

گذشته مثل فیلمی

از جُلوم رد می‌شه

تر می‌شه هر دو چشمم

حال دلم بد می‌شه

گذشته چشم منو

به اسارت گرفته

فقط دلم می‌دونه

تصویر غم چه زشته

دیگه توانی واسه

فکر کردن نمی‌مونه

پیرم کرده خیالت

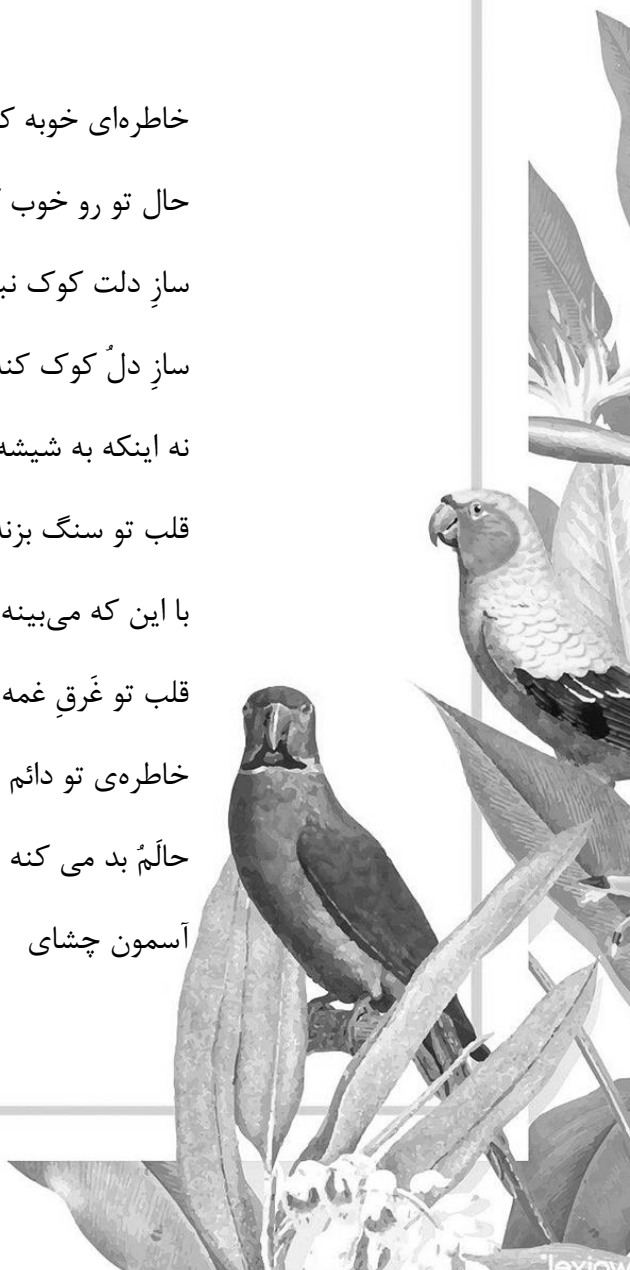


تو خلوت و بیرونه
گذشته آینده رو
از قلب عاشق گرفت
چه سخته بازنده شی
هر لحظه به غم عشق
فیلم تلخ گذشته
از ذهنم پاک نمی‌شه
می‌بینم هر دف اونو
زخم دل تازه می‌شه
گذشته آینده رو
از قلب عاشق گرفت
چه سخته آیندت
بسازی با غم عشق



خاطره

خاطره‌ای خوبه که
حال تو رو خوب کنه
سازِ دلت کوک نبود
سازِ دلِ کوک کنه
نه اینکه به شیشه‌ی
قلب تو سنگ بزنه
با این که می‌بینه که
قلب تو غرقِ غمه
خاطره‌ی تو دائم
حالمُ بد می‌کنه
آسمون چشای



عاشق‌تر می‌کنه

خاطره‌های دورت

دَرِ دِلُ می‌زَنَن

آخِ دَرُ باز نکنم

دَرِ دِلُ می‌کَنَن

تنها خدا می‌دونه

از وقتی قلبم شکست

دو تا چشا و گوَنَم

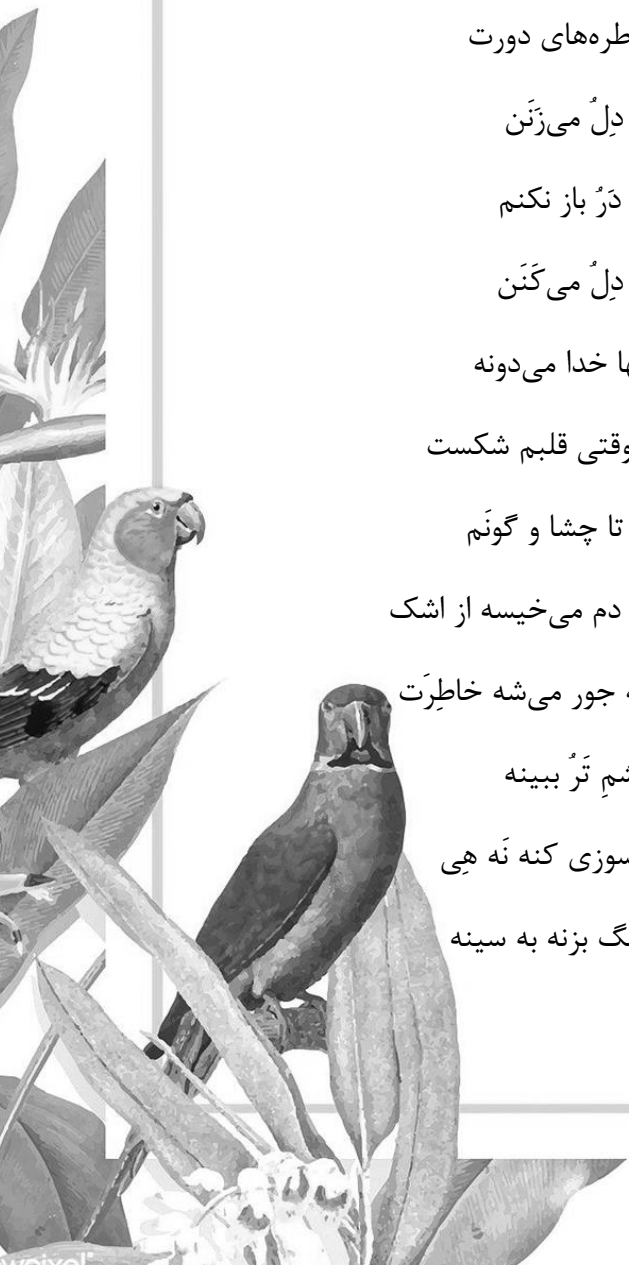
هر دم می‌خیسه از اشک

چه جور می‌شه خَاطِرَت

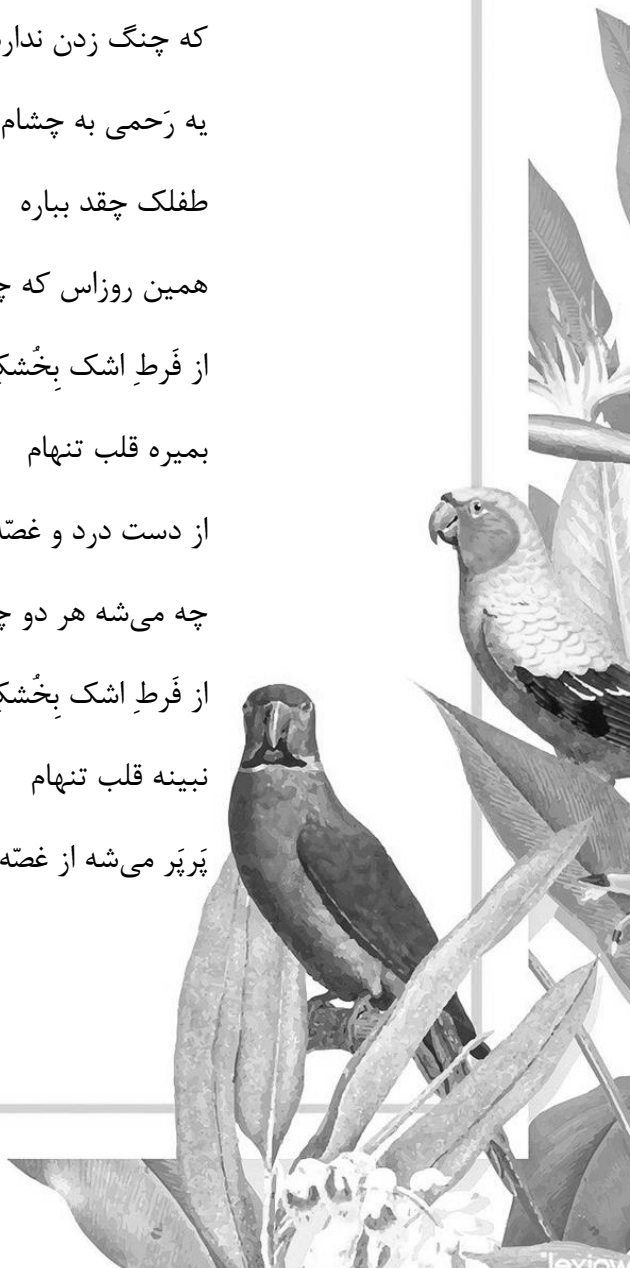
چشمِ تَرُ ببینه

دلسوزی کنه نه هی

چَنگِ بزَنه به سینه

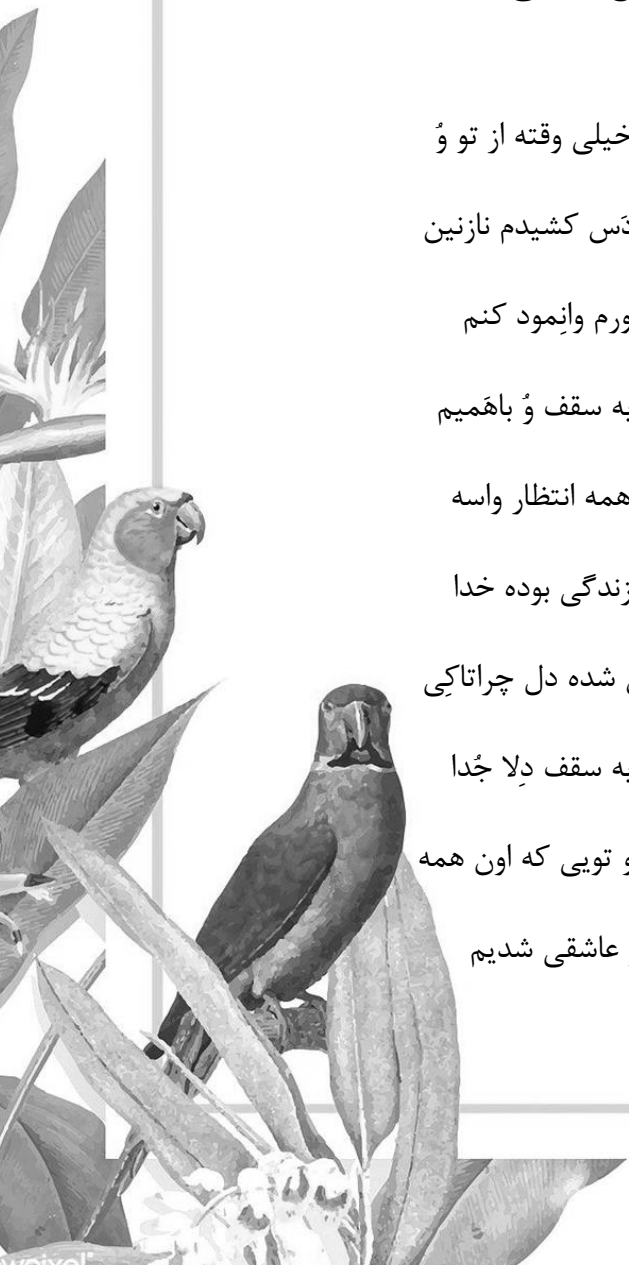


سینه‌ای که شکافته
که چنگ زدن نداره
یه رَحْمی به چشم کن
طفلك چقد بیاره
همین روزاس که چشمام
از قَرطِ اشکِ بَخُشکِه
بمیره قلب تنهام
از دست درد و غصّه
چه می‌شه هر دو چشمام
از قَرطِ اشکِ بَخُشکِه
نبینه قلب تنهام
پَرِپر می‌شه از غصّه



طلاق عاطفی

من خیلی وقته از تو و
دل دس کشیدم نازنین
مجبورم وانمود کنم
زیرِ یه سقف و باهمیم
اون همه انتظار واسه
این زندگی بوده خدا
خون شده دل چراتاکی
زیرِ یه سقف دِلا جُدا
من و تویی که اون همه
اسیر عاشقی شدیم



یهو چه شد که دچار
طلاق عاطفی شدیم
همیشه از این که تورو
از دس بدم می ترسیدم
نمی دونم چی شده و
نمی گم که بی تقصیرم
کاشکی مٹ قبلاً با هم
لحظه‌هایی حرف می زدیم
داریم کم کم بادستِ هم
قبرِ این عشقو می کنیم
عزیز به خاطر خدا
منو ببین من همونم



نمی‌دونم چرا می‌خوای

کم بکنی از جُنونم

میشه مَثّ گذشته‌ها

باعشق نگاهم بکنی

تنگه دلم برانگات

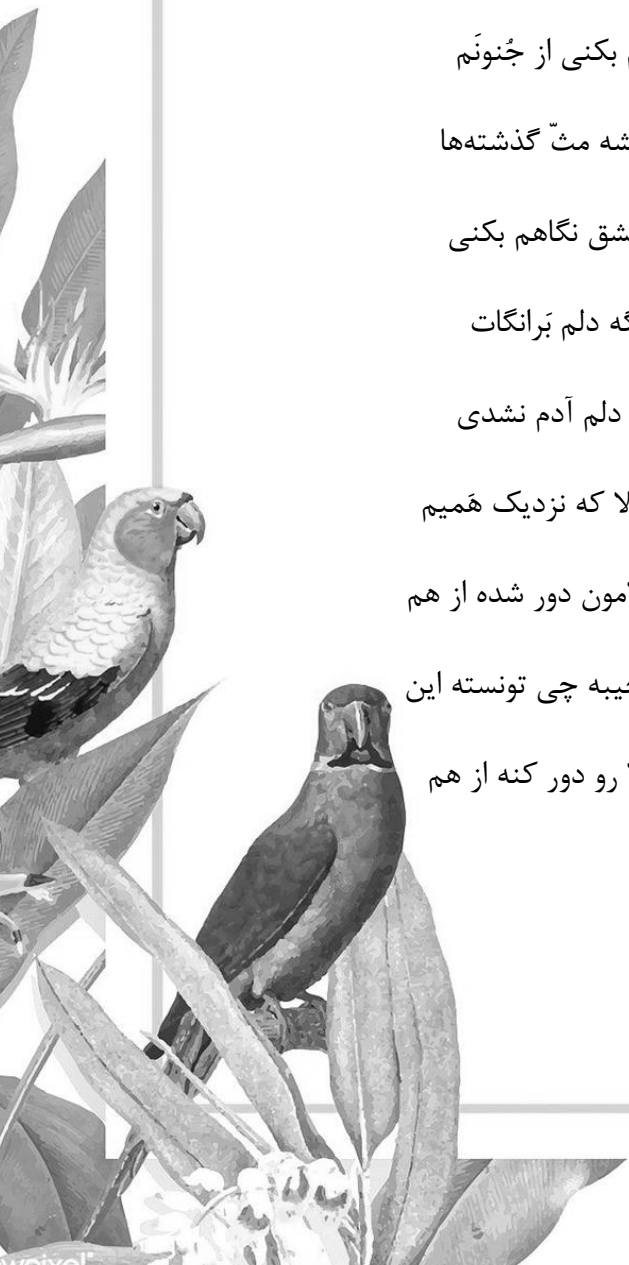
آخ دلم آدم نشدی

حالا که نزدیک همیم

دل‌امون دور شده از هم

عجیبه چی تونسته این

دِلا رو دور کنه از هم



فقط خیال نباشه

غروب همیشه واسه دل
سوغاتِ غم میاره
چه جور بهش بگم دل از
غوغایِ غم بیزاره
بدونِ تو همیشه من
أسیرِ دلتَنگیم
تو دوریُ تمومش کن
دلیلِ دِلتَنگیم
تاکی باید فقط تو رو
توی خیال ببینم



کاش کنار دو چشمِ تو

توی خیال بمیرم

می‌خوام که دیدنت فقط

توی خیال نباشه

بیا که دیگه دلم از

وهم و خیال رهاشِه

اگه که نامه‌ی دلِ

مَرِیضَمُ می‌خونی

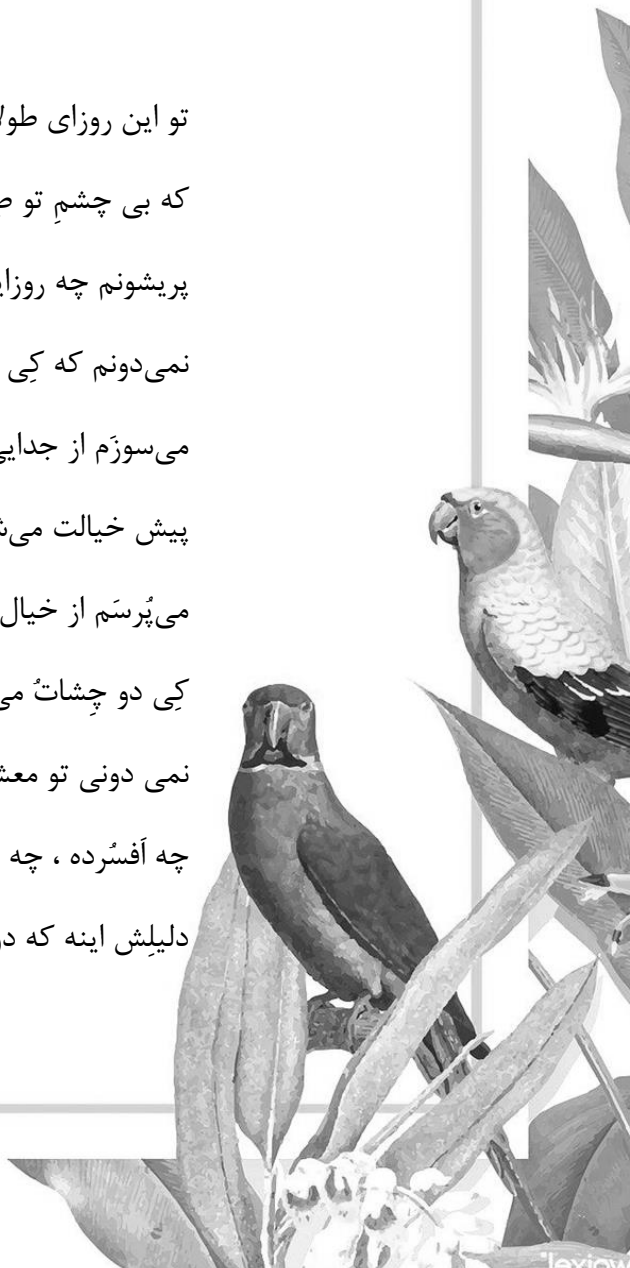
بهم جواب بده بگو

طیبِ دل می‌مونی

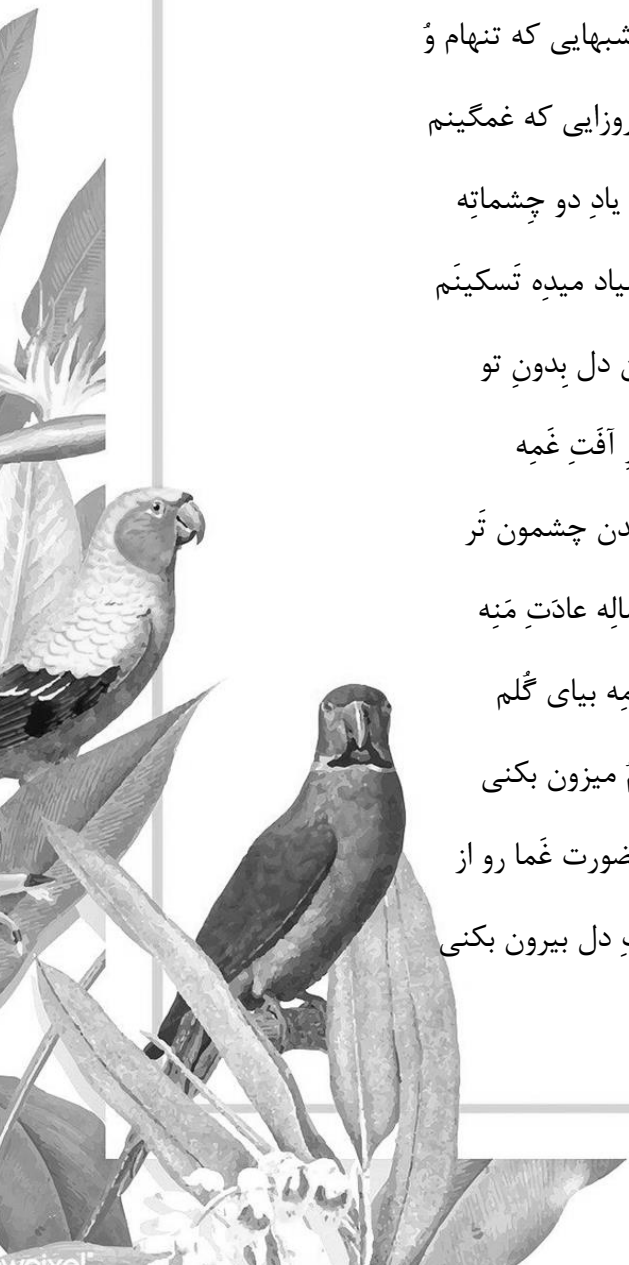


پَریشونم

تو این روزای طولانی
که بی چشمِ تو طی میشن
پَریشونم چه روزایی
نمی‌دونم که کی میرن
می‌سوزم از جدایی و
پیش خیالت می‌شینم
می‌پُرسم از خیال تو
کی دو چشات می‌بینم
نمی‌دونی تو معشوقم
چه افسرده ، چه غمگینم
دلِیلش اینه که دوری



گره خورده به تقدیرم
چه شبهایی که تنهام و
چه روزایی که غمگینم
فقط یادِ دو چشمتَه
که میاد میده تسکینم
زمین دل بدونِ تو
دچارِ آفتِ غمه
و دیدنِ چشمون تر
یه ساله عادتِ منه
آرزومه بیای گلم
حالم میزون بکنی
با حضورت غما رو از
خاکِ دل بیرون بکنی



پرپر

دلم برای چشمت
عزیزِ دل تنگ شده
وُ تنها رابطِ ما
یه تیکه‌ی سنگ شده
یه تیکه سنگ با اسمِت
که حَک شده رو مَرَمَر
وُ دیدنِش یارِ من
دلم رو کرده پرپر
باتو جَوون بودم وُ
رفتن تو پیرم کرد



داغِ نَبودنِ تو

از زندگی سیرم کرد

ببین که قلب من از

زنده بودن سیر شده

بگیر دو دستم که

واسه مرگم دیر شده

برادلم چشمونت

نشونه‌ی حیاته

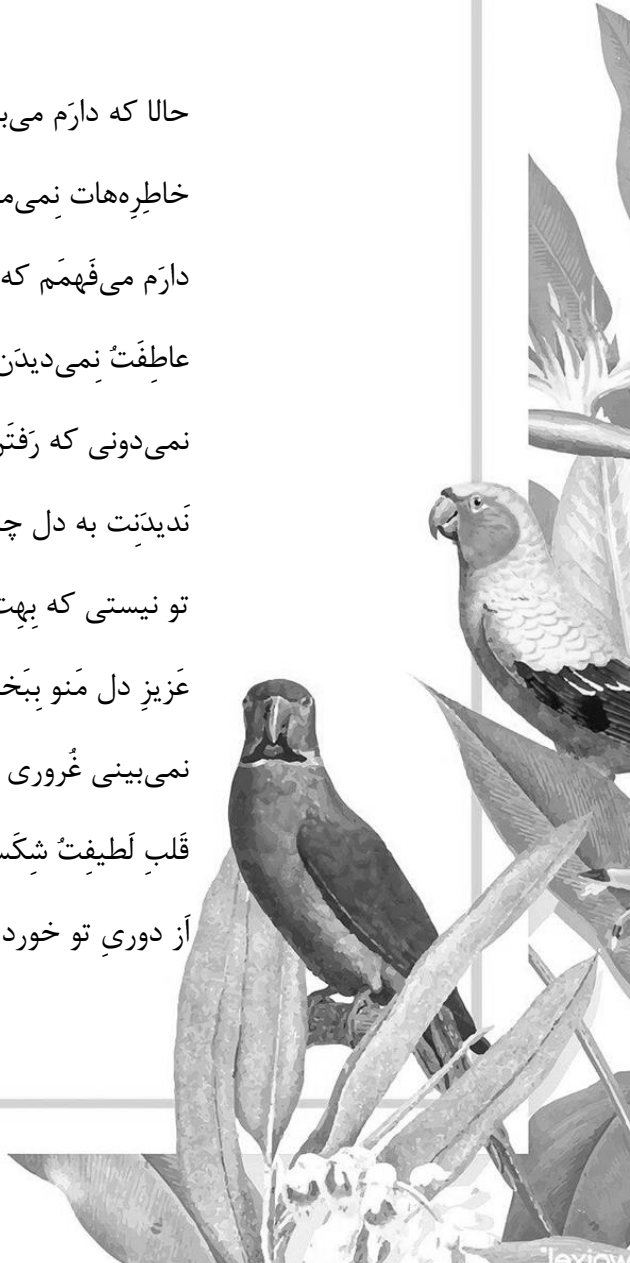
بیا ببرش اونجا

که خونه‌ی چشاتِه

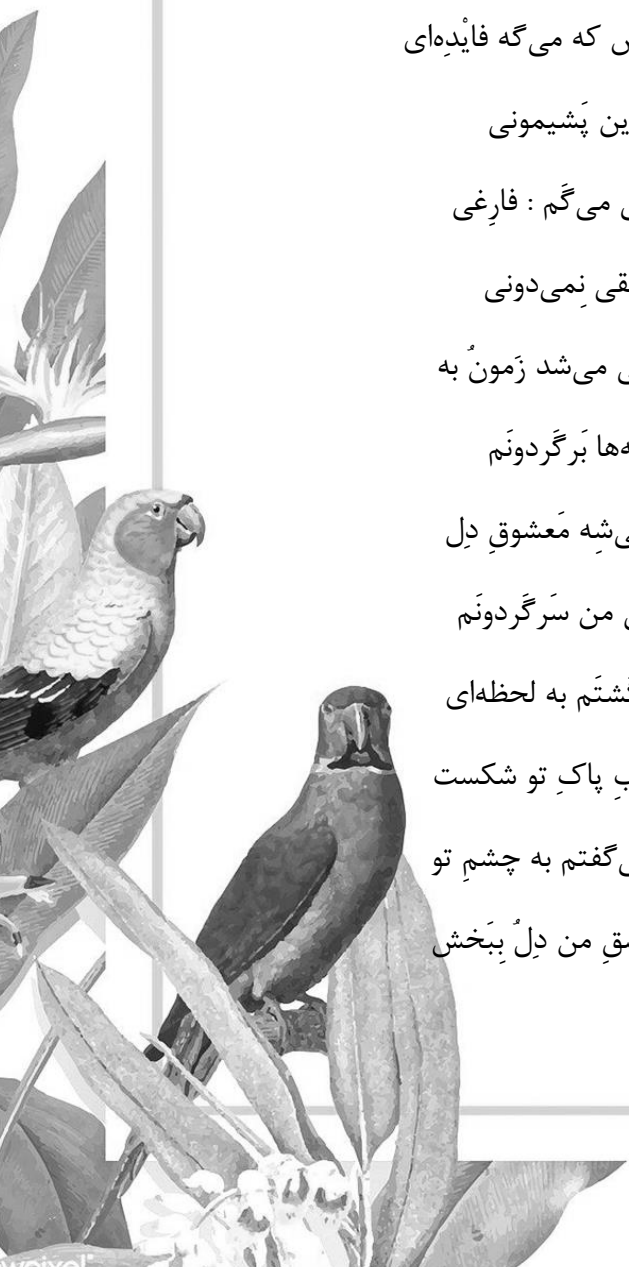


کاشکی می‌شد

حالا که دارم می‌بینم
خاطره‌هاات نمی‌میرن
دارم می‌فهمم که چشم
عاطفت نمی‌دیدن
نمی‌دونی که رفتن و
ندیدنت به دل چه کرد
تو نیستی که بهت بگم
عزیز دل منو ببخش
نمی‌بینی غروری که
قلب لطیفت شکست
از دوری تو خورد شد و



توی دِلِ من شده دَفنِ
هر کس که می‌گه فایده‌ای
نداره این پشیمونی
بامکثی می‌گم : فارغی
از عاشقی نمی‌دونی
کاشکی می‌شد زَمونُ به
گذشته‌ها برگردونم
آخِ نمی‌شه معشوقِ دِلِ
کجایی من سرگردونم
برمی‌گشتم به لحظه‌ای
که قلبِ پاکِ تو شکست
من می‌گفتم به چشمِ تو
ای عشقِ من دِلِ ببخش

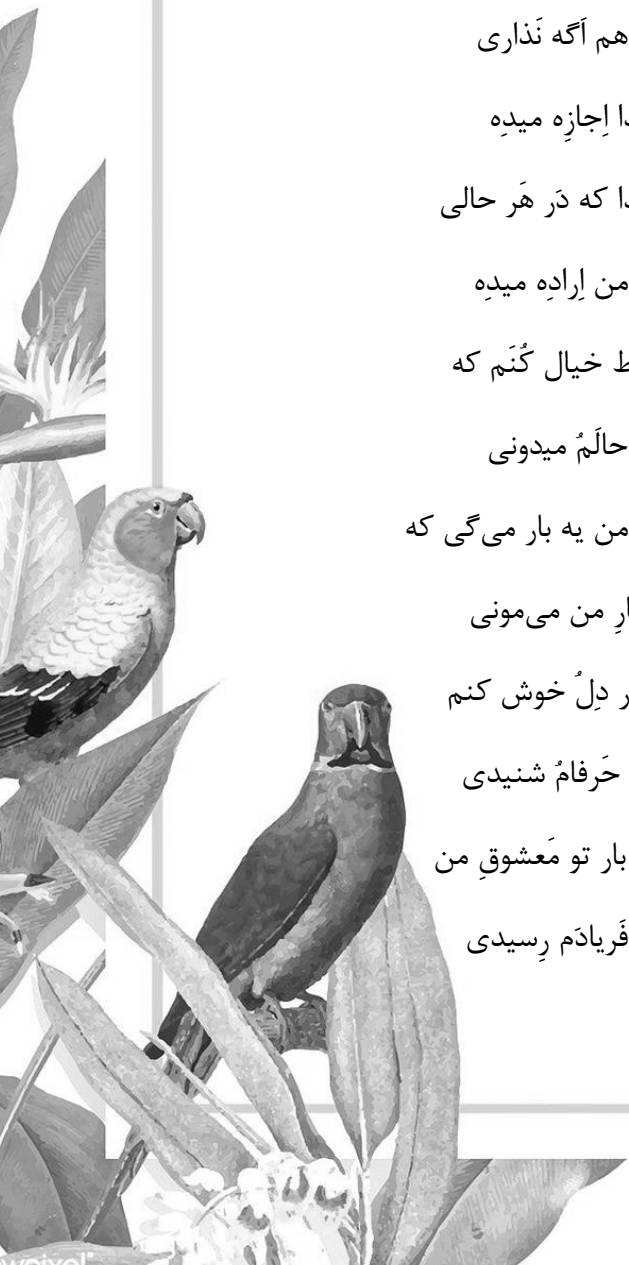


یه بار

بِذاردِ لِمِ خُوشِ باشِه
آزِ یِه خِیالِ بَیشتَرِی
یِه بارِ شَدِه حَرَفامُ
با اِشْتِیاقِ مِیشتَنوی
بِذارِ آذِ یادَمِ بِرِه
ای یارِ دِلُ شِکستِی
وُ پا گُذاشتی رو دِلِ
رو خاکِ دِلِ گُذشتِی
بِذارِ خِیالِ کُنَمِ مَن
فقطِ بَرایِ یِه لِحظَه
کِه جایی یادِ چَشْمِتِ



جُلوم چِشات نشسته
تو هم آگه نَداری
خُدا اِجازِه میدِه
خدا که دَر هَر حالی
به من اِرادِه میدِه
فقط خیال کُنم که
تو حالَمُ میدونی
به من یه بار می گی که
کِنارِ من می مونی
بذار دِلُ خوش کنم
که حَرَفامُ شنیدی
یه بار تو مَعشوقِ من
به فَریادَم رسیدی



تنهایی

سَری به تَنهاییم بَزَن
که ببینی چه می کِشَم
هرگز نمی خوام لحظه‌ای
تو برسی به این حِسم
یادَم اگه خَلَوْتُ
یه وقتایی به هم زَدِه
خواسته بگه به دِلِ تو
که تنهایی خیلی بَدِه
وقتی همه وُجودِ تُو
پیشِ یکی جامی ذاری



مَعْلُومِهِ تُو نَبُودَنِش

دیگه چه احوالی داری

می‌خوام ازت خواهش کنم

می‌شه به دل پابرداری

تنهایی حَتّی غُصَّتْ

پیشِ دلم جا بَداری

نَدار عزیزم بمونه

لباسِ حَسْرَتِ به دلم

بَدار که پیشِ دلم

به شادی دَعَوَتِ بکنم



نیمه

لِی دِلْمِ دُنْبَالِ
نِیْمَه‌ی گُمَشْدَش گُشت
طِفْلِی نَه مَجْنُونِ شَد وَ
نِیْمِی اَز عُمْرِ شَم رَفْت
نِشَسْتَم وَ زُلُّ رَدَمِ
بِه یِکِ گُوشَه‌ی دِیوَارِ
بِه هَفْتَه‌ای شَد دِیْدَمِ
کِه نَاخُوشَم وَ بِیْمَارِ
چِشَامِ سِیَاهِی مِی رَفْتِ
بَعْدِش چِیْزِی نَدِیْدَمِ
تُو خُوابِ، بِیْدَارِی یَا مَرِگِ

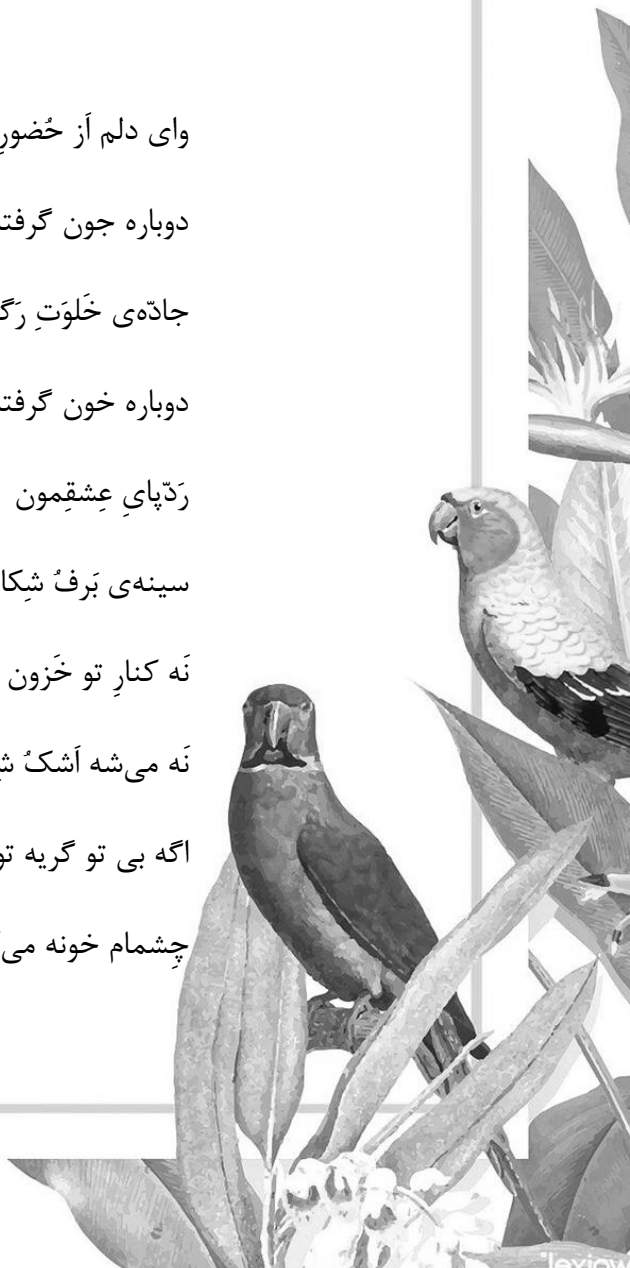


زَمِزِمه‌ای شنیدم
چشام که باز شد اینگار
پَرستار رو سَرَم بود
نِگاهم مات و بی‌حال
به دَستام و سُرُم بود
با دیدنِ پَرستار
دلَم یه باره لَرزید
حالی شدم که اینگار
دلَم مالِ خودم نیس
فِرشته‌ی پَرستار
قلبِ مَنو شیدا کرد
دِلِ پُر غَمِ بی یار
گَمشُدش پیداکرد



اشک

وای دلم از حُضُورِ
دوباره جون گرفته
جاده‌ی خَلُوتِ رَگ
دوباره خون گرفته
رَدّپایِ عِشْقِ مَون
سینه‌ی بَرَفِ شِکافِ
نَه کِنارِ تو خَزون
نَه می‌شه اَشکُ شِناخت
اگه بی تو گریه تو
چِشمامِ خونه می‌کنه



نرسیدن به تو رو
ای یار بونه می‌کنه
به خودنمایی‌اشک
داره حسودیم می‌شه
یه صبّ بلایِ جونش
سازِ عروسیم می‌شه



چرا نگفتم نرو

عُمری به دُنبالِ عشق

هَمه عالمُ گَشتم

خَسته شدم آخِرِش

دَس به زانو نشستم

نمی دونستم که عشق

مُقابلم نشسته

وَلی نمی بینمِش

حَتّی واسه یه لحظه

زَمونی عشقُ دیدم

که دیگه خِیلی دیره



تو اومدی و گفتی

میری به شهرِ دیگه

واسه‌ی این که از تو

بگیرم په نشونی



با ناامیدی گفتم

نمی‌شه که بمونی

تو گفتی: باید برم

منم چیزی نگفتم

تو رفتی با رفتنت

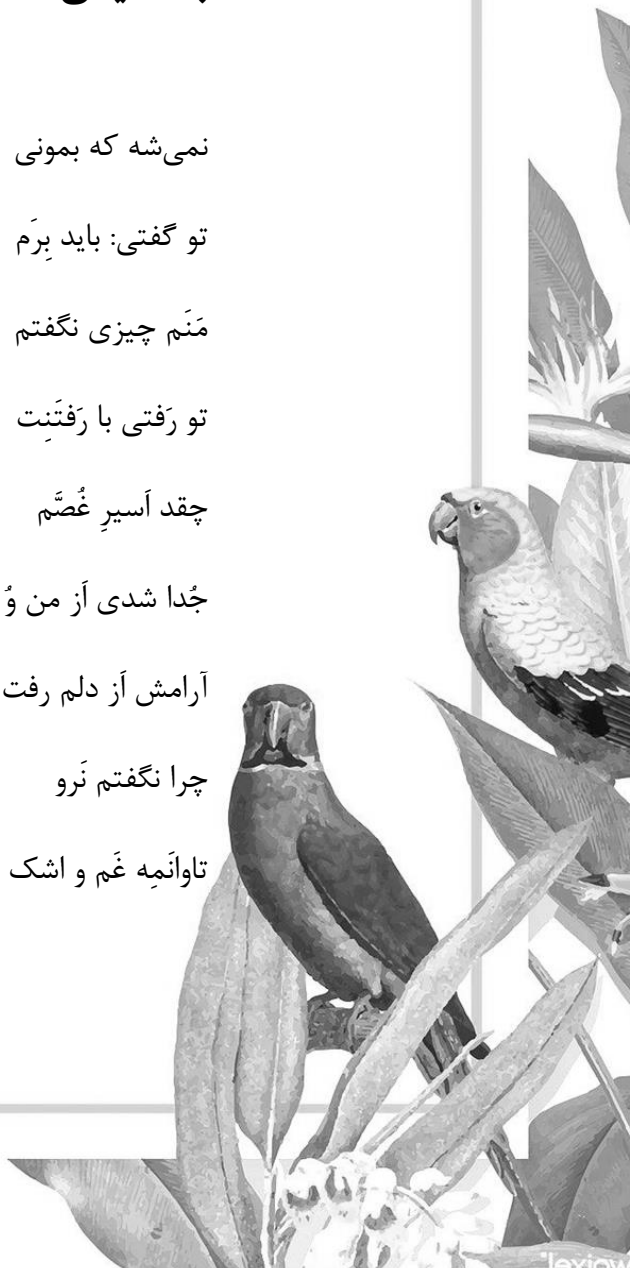
چقد اسیر غصم

جدا شدی از من و

آرامش از دلم رفت

چرا نگفتم نرو

تاوانمه غم و اشک



می‌خوام همه شهرارو

دُنبالِ تو بگَرَدَم

چشمایِ تو میاره

آرامشُ به قلبم



تعبیر خواب تلخ

دلیت واسه‌ی دل من
چه خوابِ تلخی دیده بود
که تعبیرش بودنِ این
هَوایِ سَرَد و تیره بود
از هَوایِ رَفْتَنِ تو
دلَم دیگه دَر نمیداد
ای خدا دل خسته شده
دو چشمونِ تَر نمی‌خواد
تمومِ عُقْدِه هام روی
نامه و عکسیتِ خالی شد



همون یه لحظه شاد بودم

حال و روزِ دل عالی شد

بعید دونستم که یادِت

کینمُ به دل بگیره

یه ریز روبرو چشمه

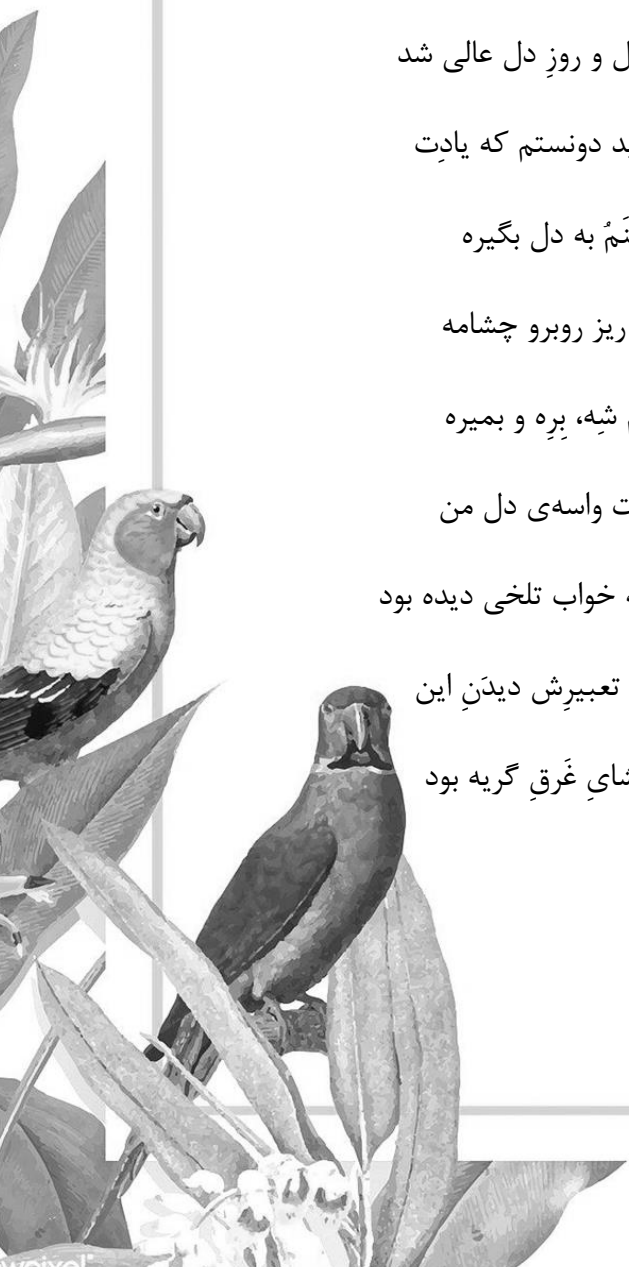
گم شه، بره و بمیره

دلت واسه‌ی دل من

چه خواب تلخی دیده بود

که تعبیرش دیدنِ این

چشایِ غرقِ گریه بود

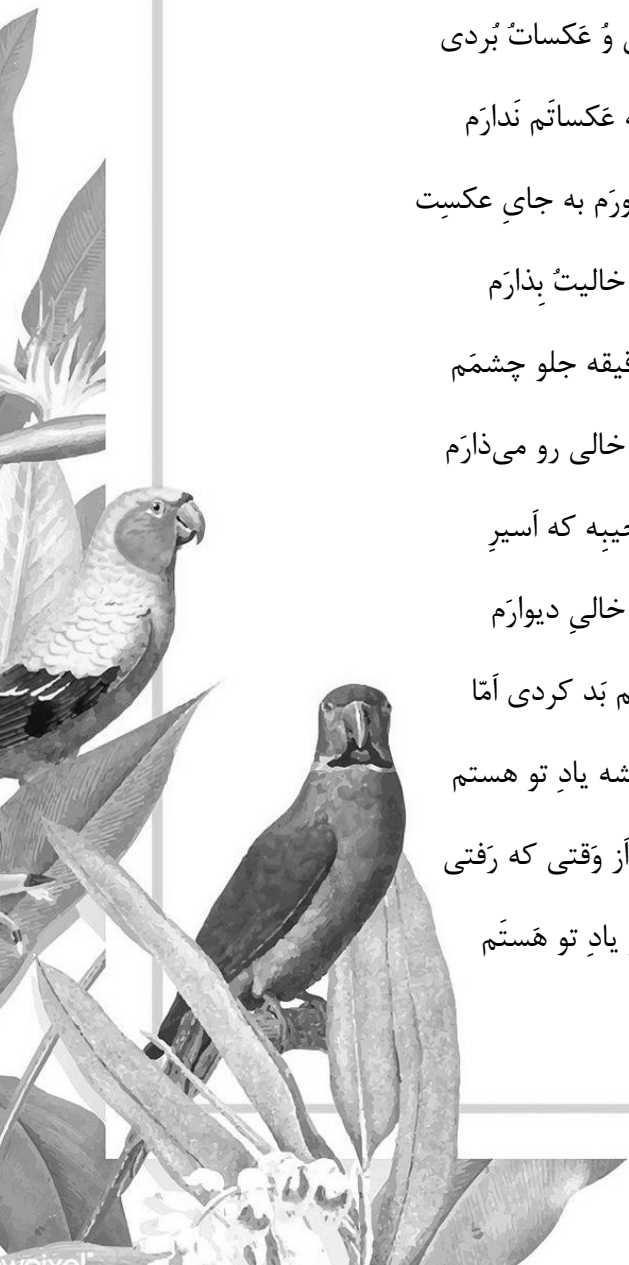


اسیر

دَلِمُ شَكْسْتِي أَمَّا
بازَمِ عَاشِقِ چَشِ توست
وُ أَگِه پِیشتِ نَمیاد
واسه خَاطِرِ دِلِ توست
واسه خَاطِرِ کِه واسَمِ
می دُونی چِقَدِ عَزِیزِه
راهِ چاره‌ای نَدارَمِ
می سوزَمِ تو تَبِ همیشه
یه روزی تَنهامِ گُذاشتی
أَمَّا مِنْ عَاشِقْتِ هَسْتَمِ
مَجبورَمِ کِنارِ بیامِ با

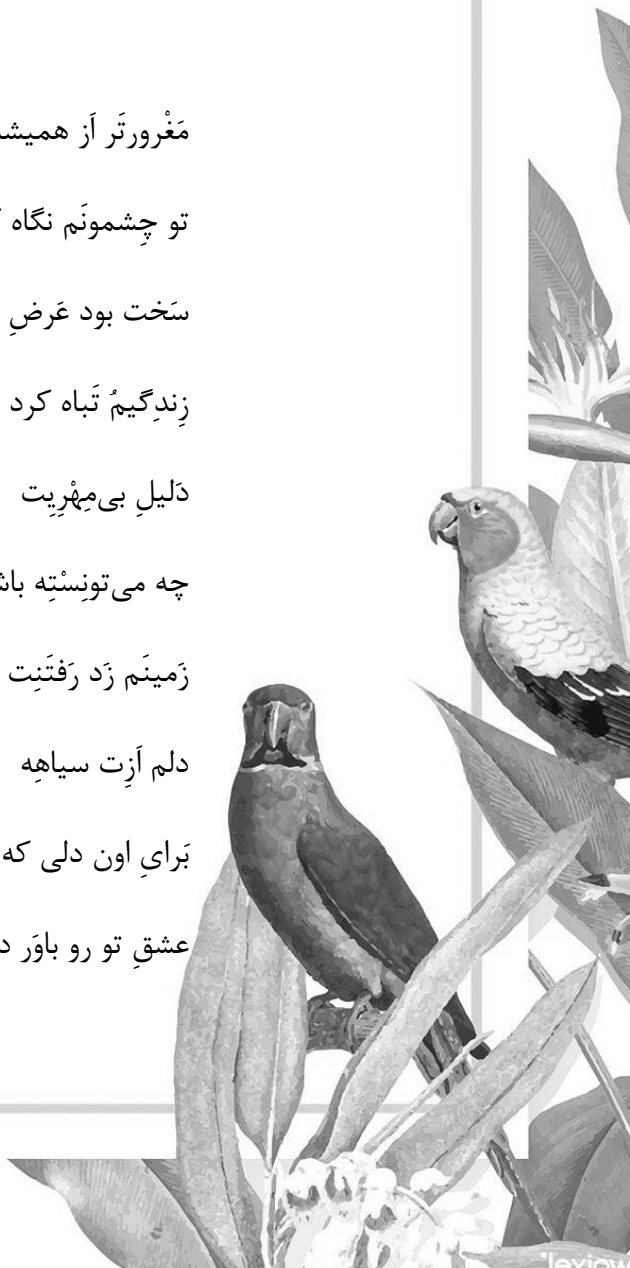


عَمایِ قلبِ شکستم
رفتِی وُ عکساتُ بُردی
دیگه عکساتم ندارم
مجبورم به جایِ عکسِت
قابِ خالیتُ بذارم
هر دقیقه جلو چشمم
قابِ خالی رو می‌ذارم
وُ عَجیبه که آسیرِ
قابِ خالی دیوارم
با دلَم بد کردی اَمّا
همیشه یادِ تو هستم
تازه از وقتی که رفتی
آسیرِ یادِ تو هستم



خرایش

مَغْرورِ تر از همیشه
تو چشموَنم نگاه کرد
سَخْت بود عَرْضِ یه لحظه
زَنَدِ گیمُ تَباه کرد
دَلیلِ بی مَهْرِیت
چه می تونِسْتِه باشه
زَمینِم زَد رَفْتِنِیت
دلم اَزت سیاهه
بَرایِ اون دلی که
عشقی تو رو باوَر داشت



خَراشِ رَویِ تَنِشِ
زَخمِیهِ کِه پابِرجاست
چِشاتُ رَوزِ رَفتَنِ
تا همیشه یادم هست
چِه سادِه بود دِلِ مَن
کِه حَرفاتُ باورِ کرد
نامِها تِ خوندم وُ
عِشقی تو باورم شد
خاطِراتِ موندنِ وُ
قَلبِ مَن آخِرشِ مُرد

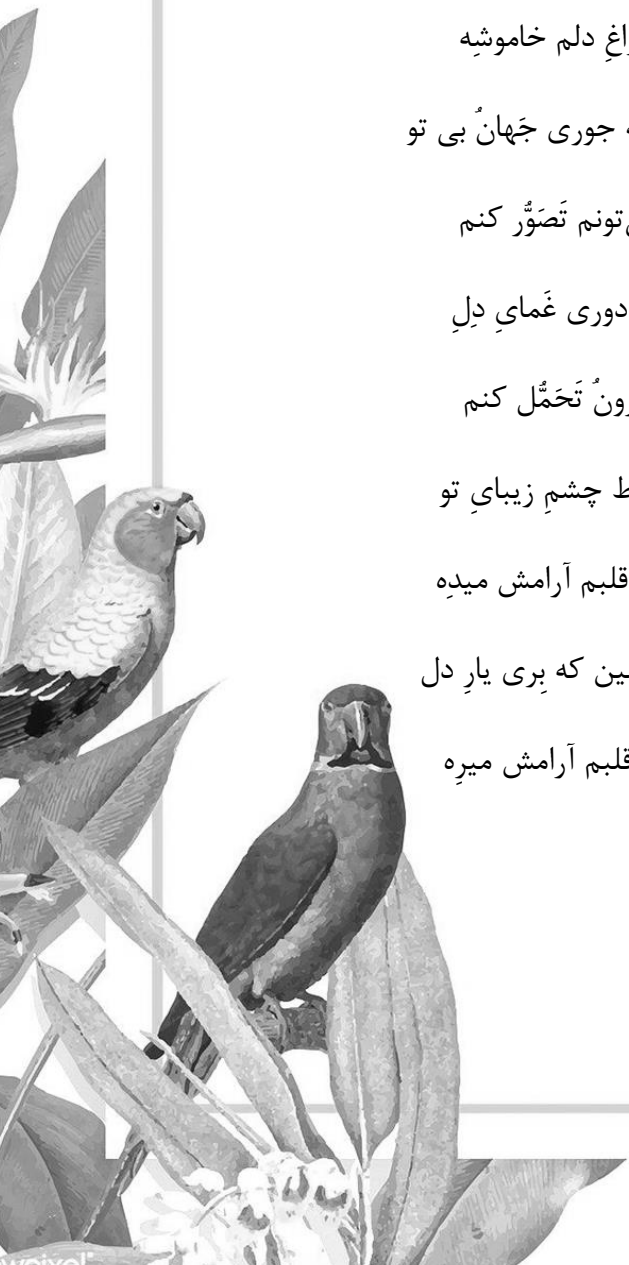


آرامش

عزیزم بُرو و نگاه
به چهره‌ی داغون نکن
یه دیوونه رو واسه‌ی
همیشه فراموش بکن
تو میری و عشقم به تو
نه کمتر که بیشتر می‌شه
نمی‌شه دلم باورش
که عشقم از پیشم میره
بدونِ تو این زندگی
برای دلم کابوسه



تو نورِ دلی وِ بَری
چراغِ دلمِ خاموشه
چه جوری جَهانُ بی تو
می تونم تَصَوُّر کنم
تو دوری غَمایِ دِلِ
ویرونُ تَحَمُّل کنم
فقط چشمِ زیبایِ تو
به قلبم آرامش میدِه
همین که بَری یارِ دل
از قلبم آرامش میرِه

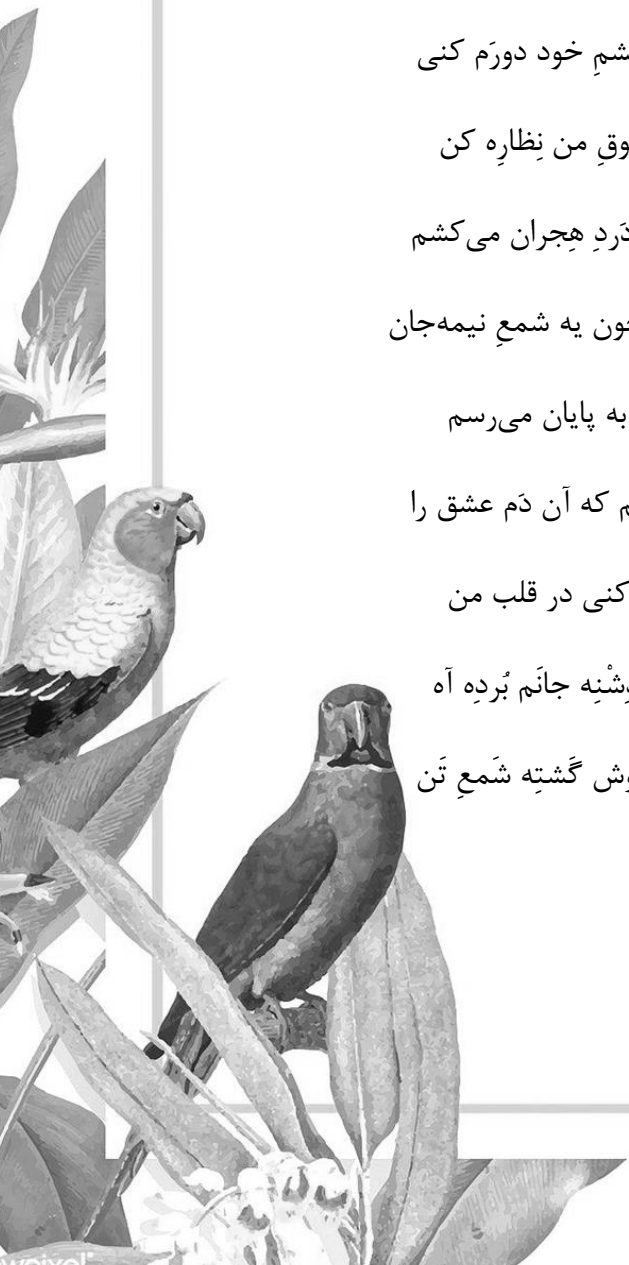


دشنه

دَر حَسْرَتِ چِشْمَانِ تو
هَمچو گویرِ تَشْنِهْ آم
مَعشوقِ مَن نِظَارِه کن
مَن زِیرِ تِیغِ دِشْنِهْ آم
آز زِیرِ دِشْنِهْ هَم تُرَا
هَر دم به خَاطِرِ آوَرَم
آفسوس نَمی دَانَم چِرا
هَرگِز نکرْدی بَاوَرَم
بَا پَایِ قَلبِمِ آمَدَم
گُفْتَم کِه مَعشوقَم تُو بَی

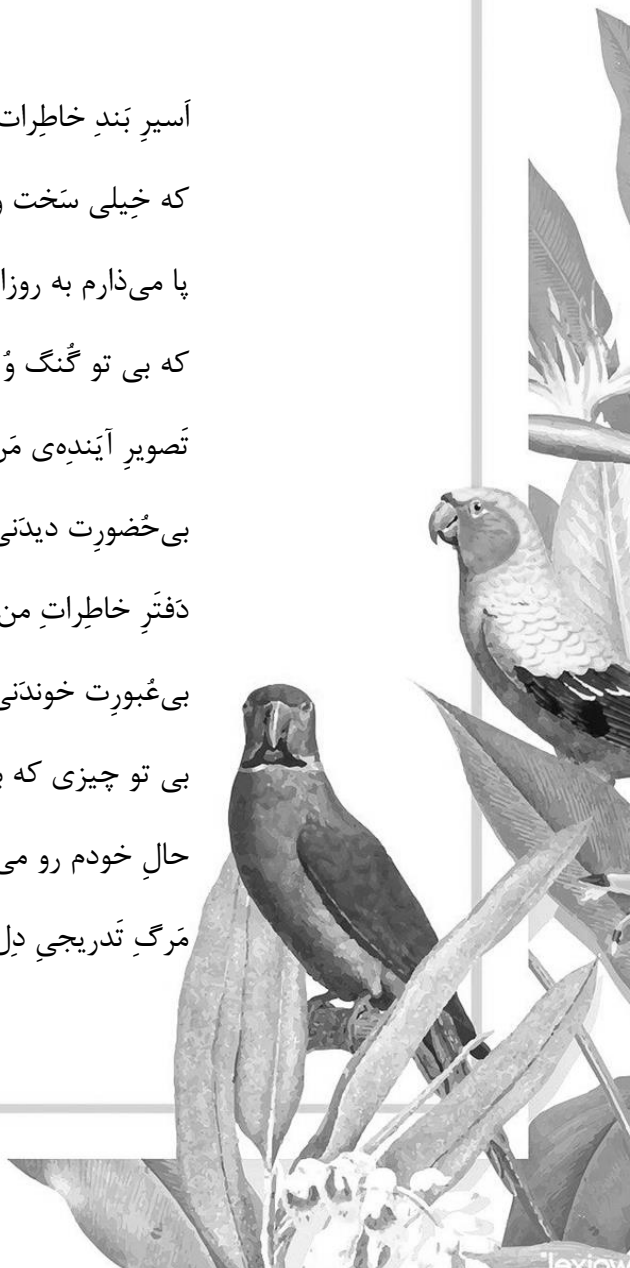


گویی که قصد کرده‌ای
از چشمِ خود دورم کنی
معشوقِ من نظاره کن
من دردِ هجران می‌کشم
همچون یه شمعِ نیمه‌جان
آخر به پایان می‌رسم
ترسم که آن دم عشق را
باور کنی در قلب من
که دشنه‌جانم برده آه
خاموش گشته شمع تن

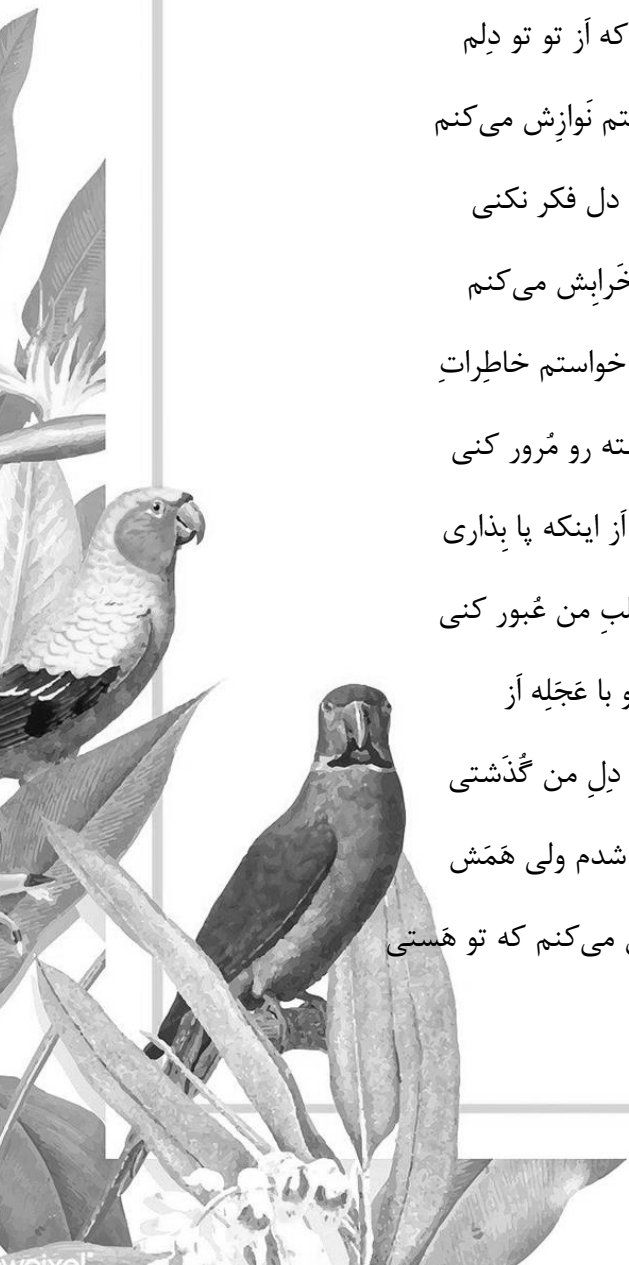


بت

اَسیرِ بَندِ خَاطِرَاتِ
که خِیَلِی سَخْتِ وُ مُحْکَمِهِ
پا می‌ذارم به روزایی
که بی تو گُنگِ وُ مَبْهَمِهِ
تَصویرِ آیندِهِی مَن
بی حُضُورِ دِیدَنی نیست
ذَفْتَرِ خَاطِرَاتِ مَن
بی عُبُورِ خُونَدَنی نیست
بی تو چیزی که بی‌اَمَان
حَالِ خُودِ مِ رُوی گِیرِهِ
مَرگِ تَدْرِیجِی دِلِ



عاشق بادستِ تقدیره
بُتی که از تو تو دلم
ساختم نوازش می‌کنم
عزیزِ دل فکر نکنی
بُتِ خرابش می‌کنم
آزت خواستم خاطراتِ
گذشته رو مرور کنی
قبل از اینکه پا بذاری
رو قلبِ من عبور کنی
آما تو با عَجَلِه از
رویِ دِلِ من گذشتی
تنها شدم ولی همش
حس می‌کنم که تو هستی



یه دیوونه

یه دیوونم که احساسم

تو رو هم دیوونه کرده

یه دیوونه که بی خوئس

تو رو هم بی خونه کرده

نمی دونم که احساسم

به گجّامی کِشه مارو

ولی عشقم دو چشمونم

به رؤیامی رسه باتو

عجیبه این چشایی که

همیشه غرق بارونه



بین فقط بینشون

کنارِ تو چه آرومِه

چشای من بهت می گن

تو نیمه‌ی گمشدَمی

کنارم باشی قول میدَم

دلت رو به غصّه ندی



آرزومه

أَز لَحْظِهِ أَي كِه عِشْقَم
تو كُماَس وُ بِيهوشِه
قَلْبِ پُرُ أَز عَمِّ مِثِّ
سِير وُ سِر كِه مِي جوشِه
دَلَم مِي خِوَاد جِوَنَمُو
بَدَم كِه جِوَن بِيگِيرِه
كِه جِسْمِ نَاتِوَانِش
دِوَبَارِه خِوَن بِيگِيرِه
(أَرِزِوَمِه دِوَبَارِه
چِشْمِ تِو رِو بِييِنَمِ



باز بتونم جلوی

چشمای تو بشینم

دیدن چشمای تو

بهم آرامش می ده

میشه چشو باز کنی

دل من ساکت میشه

دل و جسم و جونمو

به جسم پاکت میدم

عزیز دلم فقط

بمون که من بمیرم (۲)



چه زود

(گوشه گوشه‌ی خونه

عطرِ تو رو می‌ده هنوز

نورِ چشمِ مَجنونَم

پَرزَدی از پیشَم چه زود ((۲))

سخت به دَسْت اُورْدَمِیت

چه سادِه از دَسْت دادَمِیت

ضَجّه‌هاَم می‌شَنوی...

خُدا بِرس به دادِ دِل

قَلبِ پاکِت نَتونِست

بابیماری جَنگ کنه



مَجْبُور شد که خودش رو

آخ تسلیمِ مَرگ کنه

(بیماری قلبِ تو وُ

زندِگیمُ اَزَمِ گِرِفت

می‌نالَمِ اَز دَسْتِش وُ

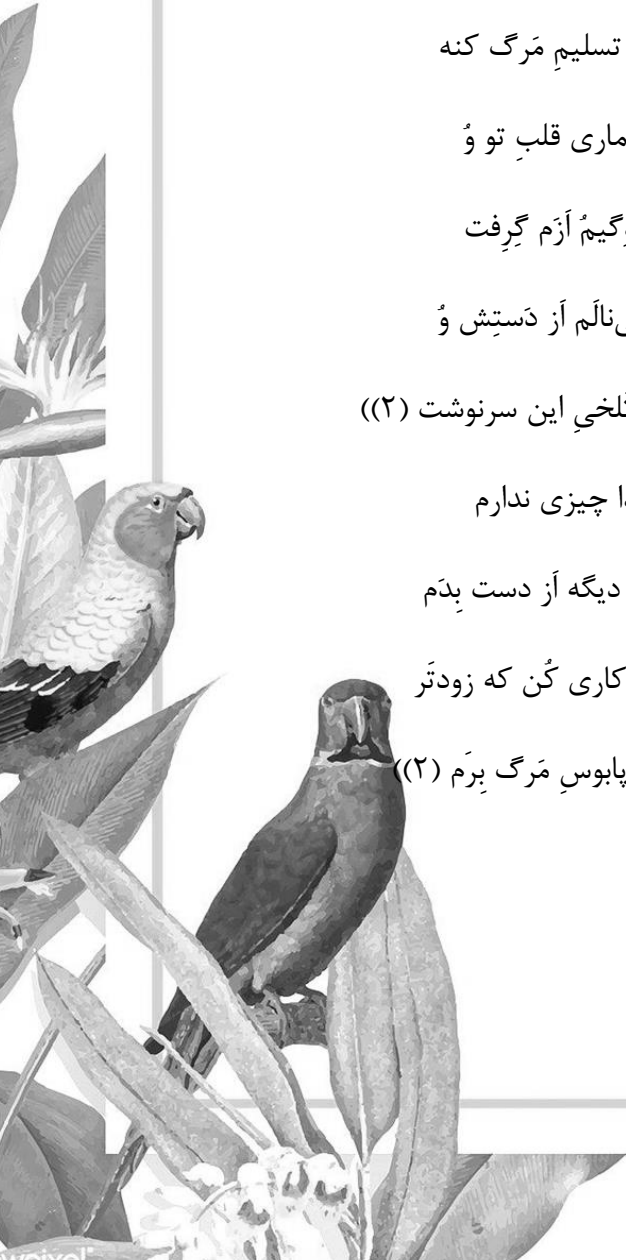
اَز تَلخِیِ اَینِ سِرنوشت (۲))

خُدا چیزی ندارم

که دیگه اَز دَسْتِ بَدَمِ

پِه کاری کُن که زودتَر

بِه پابوسِ مَرگِ بَرَمِ (۲))



احساس

(احساسِ قلبم به تو رو
چه سخته روپروت بگم
احساسِ خوبی که بی تو
به ویرونی کِشوندَتَم (۲))
(هَوایِ دل بدونِ تو
بارونیه، همیشه خیس
یه بارِ غمِ رو دوشَمِه
حالمِ مِثْ همیشه نیس (۲))
دو چشمایِ زیبایِ تو
دَریایِ عشقِ وُ احساسِه
دو چشمی که باعث شدن



قلب من عشقُ بِشْناسِیهِ

(دلَم می گه به تو بگم

از تَه دل دوستِ دارم

که قلب تو پی بِبِرِه

به عشق من، به احساسَم ((۲))

هر باری که می بینمِت

یک دَفِه لُکنت می گیرم

حَرَفامُ فوری می خورم

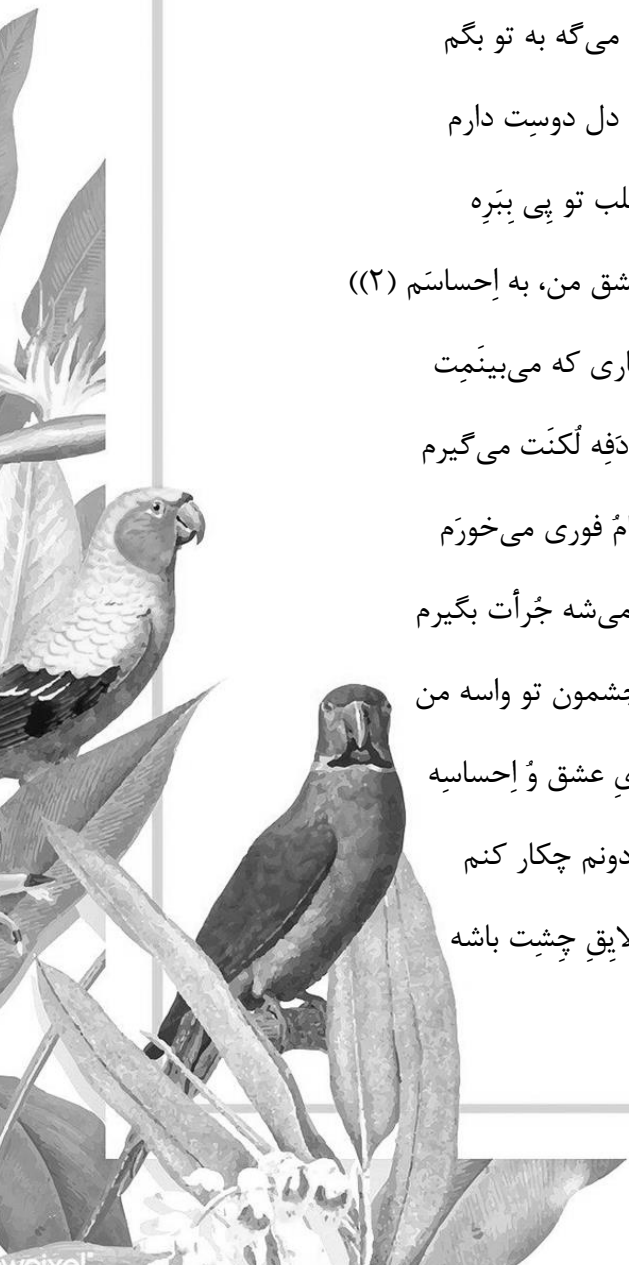
کی می شه جُرأت بگیرم

دو چشمن تو واسه من

دُنْیایِ عشق وُ احساسِیهِ

نمی دونم چکار کنم

دل لایقِ چشیت باشه



حالم دگرگونه

(از اولین دیدار
حالم دگرگونه
عشقت تاکی می‌خواد
دل رو بلرزونه (۲))
(تو رفتی و بُردی
عقل و حواسم رو
چه عجیبه هستم
هر لحظه یاد تو (۲))
آخه فقط یک بار
چشم تو رو دیدم
بامن چه کردی وای



من که هنوز گِیَجَم

با دیدنِ تِ قلبم

سَمَتِ کشیده شد

آوایِ مَحسوسی

از دل شنیده شد

واسه قَرارِ بعد

خیلی پَریشونم

(اَخرِ این قصّه

چی شِه نمی دونم (۲))

موندَم که حِسَم رو

بِگَم یا که زوده

(تَرسَم اینه دَسْتِ

دلَم پِیشِ تِ روشِه (۲))



مردشم

خستم از دست تووُ خاطره هات
خستم از دل که شکست عاشقه باز
دوس دارم بخوابم و بیدار نَشَم
که از فکر گذشته بیمار نَشَم
خاطِرَاتِ وِلِ گُنِ من نمیشن
تاچشامُ تر نکنن نمیرن
(نمی‌تونم از فکر تو در پیام
یه دیوونم هنوزم تورو می‌خوام (۲))
نمی‌دونم با دلم چیکار کنم
کاری کرده از خودم بیزار شدم
هی می‌گه مَقْصَرِ رَفْتَنَتَم



دوس داره تو خوبه و من بدِه شَم

زندگیم از نبودت خراب شده

حتّی نفَس کشیدن عذاب شده

(من دارم تاوان چی روپس میدَم

که حتّی یادِت نمیده تسکینم (۲))

یکی نیس حرف دلَم رو بِشنوه

ولی راحت از کنارش نگذره

(تشنه‌ی دیدارِ اون کسی شدم

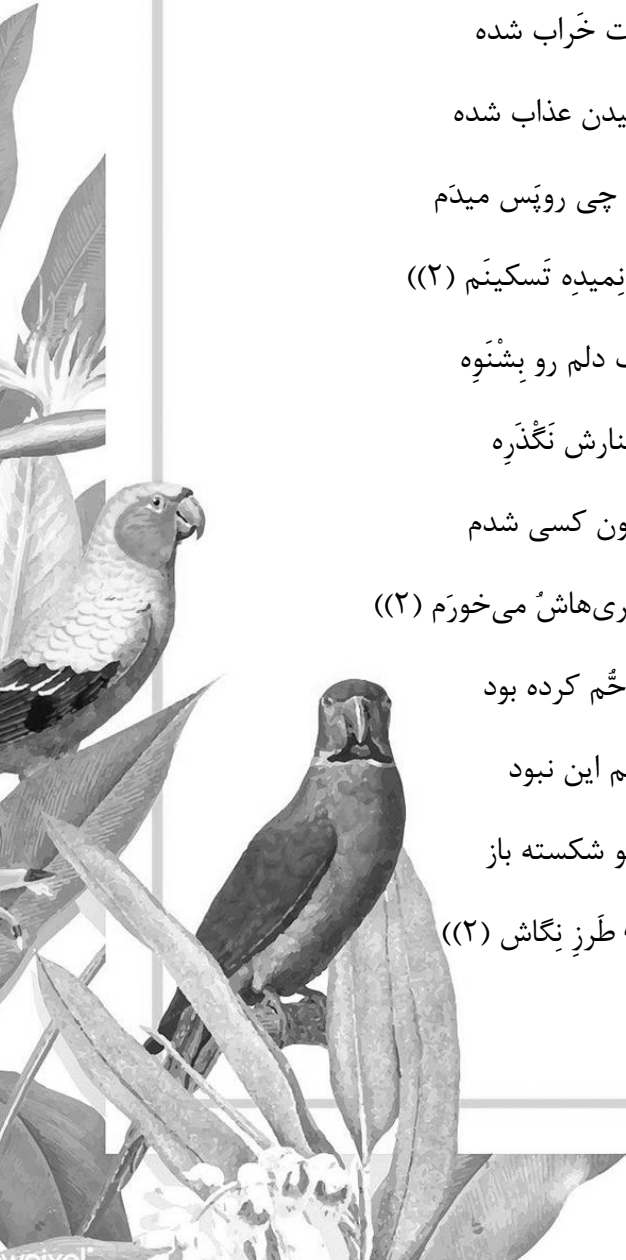
که چوبِ بی‌مهری‌هاش می‌خورم (۲))

(اگه به قلبم ترخّم کرده بود

به خداوَضِعِ اَلانم این نبود

قلب معصوم منو شکسته باز

مُردشَم دیوونهُ طَرزِ نِگاش (۲))



برگرد

(باچشمای همیشه خیس)

چه جوری میشه سرگرد

تو فصلِ دلگیرِ پاییز

دیوونه میشم برگرد (۲)

یه اشتباهی کردم و

قلب پاکت شکست و

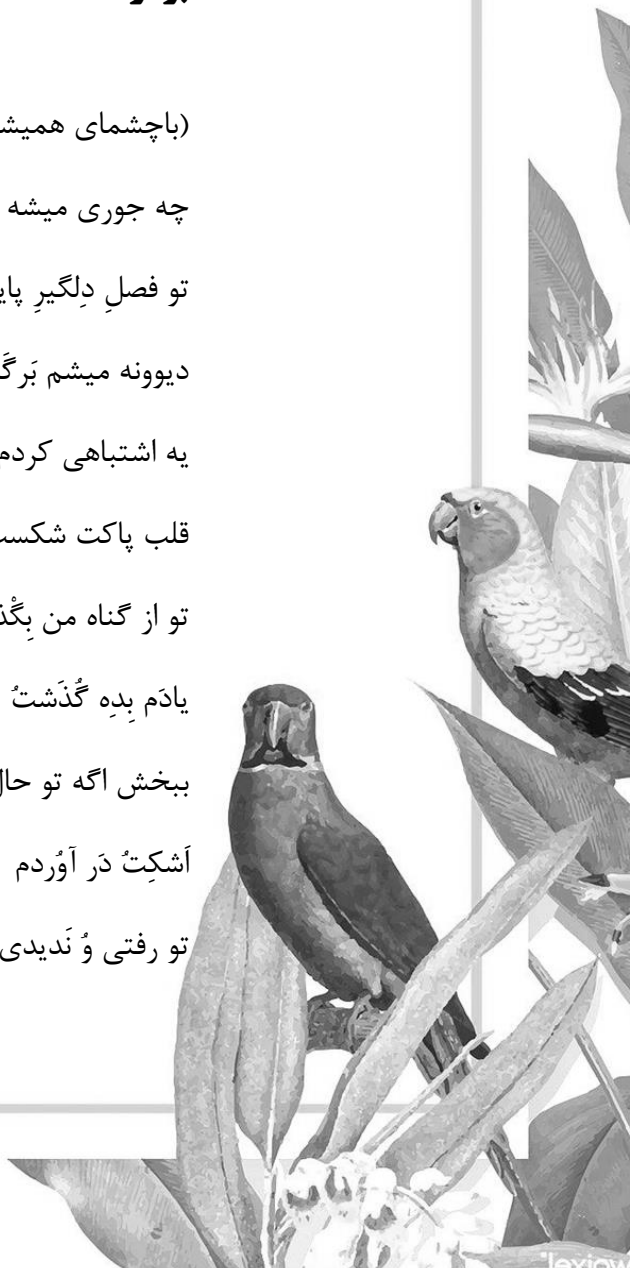
تو از گناه من بگذر

یادم بده گذشت

ببخش اگه تو حال بد

آشکِت در آوردم

تو رفتی و ندیدی که



صَدَدِفِه رُوزِ مُرْدَم

چَقْد بَهْت پِیامِ بَدَم

کِه یِکَدِفِه بَبِیْنِی

چَقْد بَگَم غَلَط کَرْدَم

فَرِشْتَه زَمِیْنِی

پَرِیْشُونَم نَمِی دُونَم

الآن چِه حَالِی داری

حَق مِی دَم بَتِ عَزِیْزِ اَگِه

از دَسْتَم باشِی شاکِی

مَنو تَوِی غُرُوبایِ

غَم اَنگِیْز تَنها نَدار

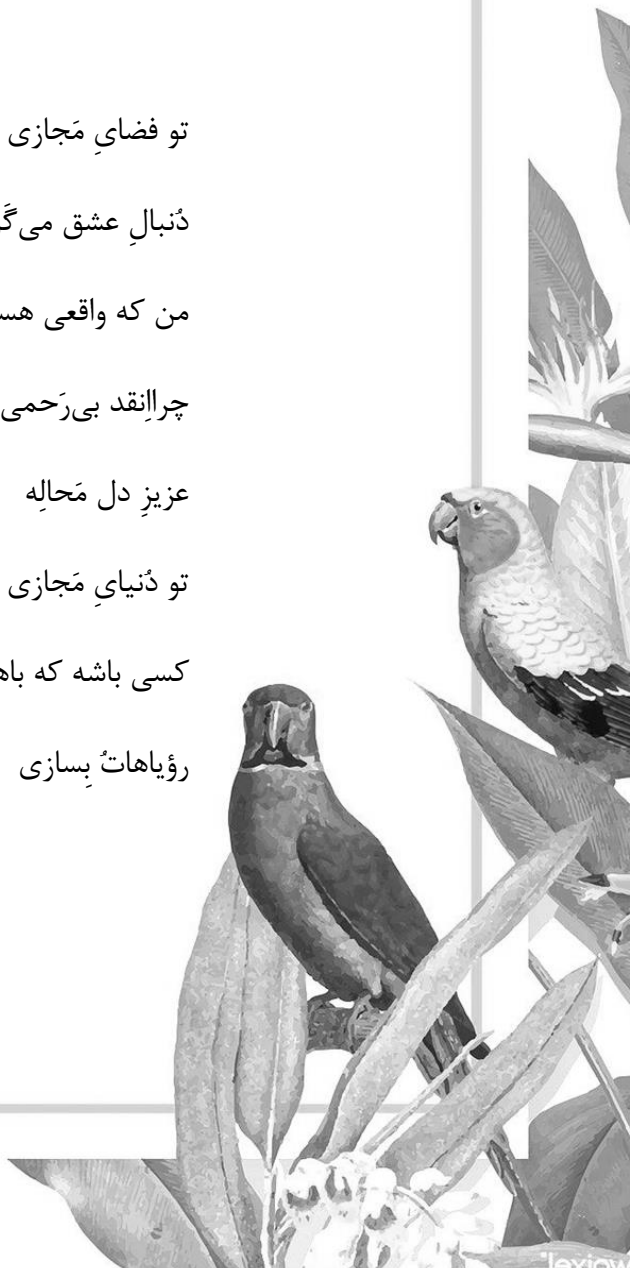
فَدایِ دَل پاکِ مِیْشِه

بِبَخْشِیْم تَنها یِه بار



نمی بینی

تو فضایِ مَجازی
دُنبالِ عشقِ می گِردی
من که واقعی هستم
چرا نقدِ بی رَحمی
عزیزِ دلِ مَحالِه
تو دُنیایِ مَجازی
کسی باشه که باهات
رؤیاهاتُ بسازی



مَنی که روپروتّم شده بینی یکبار
چَقَدِه دوسِت دارمُو کنم جُلُو تو تکرار
یه دونه آرزومِه
از این فضا رها شی
همیشه ترسم اینه
تو این فضا فَناشی
از وقتی همکلاسم
شدی دیوونت شدم
کسی خبر نداشت از
دل و بیرون جُز خودم
وقتی تصمیم گرفتم
حرف دلمو بگم



به هیچ وجه فکر نکردم

بأنه روبرو بشم

هر بار می بینم سرت

تو گوشیتِه عزیزم

یه آه می کشم که تو

نمی بینی مریضم

نمی بینی کسی رو

که واسه تو می میره

تو دنیای حقیقی

سُرَغتُ می گیره

